

درس نامه

"بیانیه گام دوم"

«نسخه صفر»

اردیبهشت ۹۸

فهرست مطالب

جلسه اول: مأموریت بیانیه؛ تکمیل طرح راهبردی انقلاب اسلامی ۴

سرفصل ۱: نقش راهبری ولی فقیه ۴

سرفصل ۲: انقلاب اسلامی طرح راهبردی دارد ۵

سرفصل ۳: همراه نشدن با طرح انقلاب ۷

سرفصل ۴: برداشتن گام اول یا عنصر اراده ملی ۸

سرفصل ۵: انقلاب اسلامی اولین مرحله از طرح ۹

جلسه دوم: نظریه نظام انقلابی ۱۲

سرفصل ۱: نظام اسلامی دومین مرحله از طرح ۱۲

Error! سرفصل ۲: نظریه نظام انقلابی

Bookmark not defined.

Error! جلسه سوم: مبارزه تمدنی؛ وظیفه منتظران

Bookmark not defined.

سرفصل ۱: دولت اسلامی سومین مرحله از طرح ۱۸

سرفصل ۲: تمدن نوین اسلامی ۲۱

سرفصل ۳: روش تمدن سازی ۲۳

سرفصل ۴: آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی

Error! جلسه چهارم: زمینه صدور بیانیه؛ عصر امام خمینی (ره)

Bookmark not defined.

Error! سرفصل ۱: عصر امام خمینی (ره)

Bookmark not defined.

Error! سرفصل ۲: تثبیت انقلاب اسلامی

Bookmark not defined.

Error! سرفصل ۳: افول آمریکا و غرب

Bookmark not defined.

۳۵ جلسه پنجم: عقلانیت بیانیہ؛ مکتب امام خمینی (ره)

۳۵ سرفصل ۱: عقلانیت بیانیہ

Error! سرفصل ۲: جوهره اندیشه بیانیہ

Bookmark not defined.

Error! سرفصل ۳: دستگاه محاسباتی بیانیہ

Bookmark not defined.

Error! سرفصل ۴: رهیافت های عمومی از عقلانیت بیانیہ

Bookmark not defined.

۴۴ جلسه ششم: روح بیانیہ؛ خلق اراده ملی و امید به آینده

Error! سرفصل ۱: فقدان اراده ملی عامل قطعی شکست

Bookmark not defined.

۴۵ سرفصل ۲: اثرات نا امیدي ملي

Error! سرفصل ۳: امید صادق

Bookmark not defined.

Error! سرفصل ۴: آرمان گرایی و واقع بینی

Bookmark not defined.

۴۸ سرفصل ۵: ریشه ای ترین جهاد

Error! جلسه هفتم: مخاطب بیانیہ؛ جوانان

Bookmark not defined.

Error! سرفصل ۱: اعلان جهاد

Bookmark not defined.

۵۱ سرفصل ۲: اقتضانات گام دوم و جوانان

۵۴ جلسه هشتم: مسئولیت های بیانیہ

۵۴ سرفصل ۱: مسئولیت های راهبردی

جلسه اول

مأموریت بیانیه؛ تکمیل طرح راهبردی انقلاب اسلامی

✓ پرسش های متن ساز:

- ۱- چرا عنوان این بیانیه گام دوم است؟ گام اول چه بوده است؟
- ۲- اراده فرامتن رهبری از صدور این بیانیه چیست؟
- ۳- چرا باید انقلاب اسلامی طرح راهبردی داشته باشد؟
- ۴- آیا رفتارهای امامین انقلاب در چارچوب یک طرح معنادار فهمیده می شود؟
- ۵- آسیب های بی اعتنائی به طرح راهبردی انقلاب چیست؟
- ۶- طرح راهبردی انقلاب چیست؟
- ۷- چرا انقلاب در هر مرحله از حرکت بنا به اقتضائات تجلی خاصی پیدا می کند؟

✓ سرفصل اول: نقش راهبری ولی فقیه

✓ جملات کلیدی:

- ۱- بیانیه را در افق رهبری حضرت آقا باید قرائت کرد، ایشان یک پدیده ای را شناسایی کردند به نام رهبری جامعه، ولایت، به آن هم ملتزم هستند و به کارهای فراتر از آن نمی پردازند و نمی خواهند پردازند. مرتبه ولایت فراتر از مرتبه مدیریت است.
- ۲- مدیریت به یک معنا چالاک تر و تیزتر است، صریح تر است، عملیاتی تر است، ولایت کمی متفاوت است، بیشتر در فضای سودهی ها است، خلق یک افق، خلق یک شخصیت، و معماری یک آرمان.
- ۳- بیانیه گام دوم فعل راهبر و امام ماست. تراز ولی فقیه، تراز جریان سازی اجتماعی و رهبری دینی است و اصل این بیانیه خودش دارد همین اتفاق را رقم می زند. بیانیه گام دوم یک فعل راهبردی است، لذا یکی از ضرورت ها بررسی ابعاد این بیانیه در افق راهبردی است.
- ۴- اساساً گام دوم بودن این بیانیه به این معناست که گام اولی از یک مسیر طی شده است و اکنون تحلیل ها و توصیه هایی برای ورود به گام دوم مورد نیاز است. این مسیر همان مسیر راهبردی انقلاب اسلامی است.
- ۵- در ۴۰ سال نخست بخشی هایی از مسیر راهبردی انقلاب را پشت گذاشتیم و اکنون اقتضائاتی فراهم شده است که لازم است برای طی شدن ادامه این مسیر گام دومی برداشته شود.
- ۶- ابتدائی که بیانیه صادر شد، اکثر دوستان حزب اللهی حرفشان این بود که بیانیه را که سریع خواندیم حرف جدیدی نداشت و چیزهایی که انتظار داشتیم در آن وجود نداشت انتظار داشتیم آقا بترکاند، ولی چنین اتفاقی نیفتاد.
- ۷- یکی از جدی ترین مسائلی که با آن روبرو هستیم، فاصله ذهنی جامعه انقلابی با رهبری است. فاصله ای که موجب می شود نوع کنش های ما با کنش های مورد توقع رهبری در بزنگاه های حساس و حیاتی تاریخ انقلاب متفاوت باشد. تا این «فهم» به وجود نیاید که چنین فاصله ای بین ما و ایشان وجود دارد، امیدی به تحقق بیانیه نیست. جوان مؤمن انقلابی باید در مدار تفکر و عقلانیت و اندیشه ویژه رهبری قرار گیرد تا بتواند در همان مدار «حرکت و اقدام» کند.
- ۸- رهبر انقلاب می خواهند نوعی «خودآگاهی تاریخی و انقلابی» در ما ایجاد کنند تا دریابیم که در کدام نقطه ی تاریخی ایستاده ایم و به کجا می رویم و چه مسئولیت هایی بر عهده داریم. ایشان این بار به مناسبت چهل سالگی انقلاب، «ارزیابی های راهبردی» خود را درباره ی گذشته ی انقلاب و «تجویزهای راهبردی» را درباره ی آینده ی آن، در اختیار ما قرار داده اند.
- ۹- برای فهم این بیانیه باید در افق و لایه راهبردی آیت الله خامنه ای قدم گذاشت و با اقتضائات آن همراهی نمود.

☑ سرفصل دوم: انقلاب اسلامی طرح راهبردی دارد

✓ جملات کلیدی:

۱- متن بیانیه:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين و صحبه المنتجبين و من تبعهم باحسان الى يوم الدين.

از میان همه‌ی ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد؛ و در میان ملت‌هایی که به پاخاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به جز تغییر حکومتها، آرمانهای انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلّه‌ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر میرسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است. درودی از اعماق دل بر این ملت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوّم میشود.»

۲- بیانیه دارد به صراحت صحبت از ورود به مرحله دوم از یک طرح کلی می‌کند. این طرح دارد می‌گوید، انقلاب اسلامی هدف خودش را کمتر از تمدن‌سازی در نظر نگرفته است، شاید از اوایل انقلاب و مجموعه منویات امام (ره) حرفی از عنوان تمدن نبود ولی نوع حرف‌هایی که زده می‌شد همه اش در همین وادی و همین افق بوده است. و اساساً اصل این که انقلاب اسلامی با فرمان داری امام دارد در یک طرح منسجم کلی حرکت می‌کند غیرقابل خدشه است. (تطبیق ش ۱)

۳- طرح با اهداف و آرمان‌ها متفاوت است. طرح راهبردی راه رسیدن به آرمان‌ها و محقق کردن اهداف است. راهبردها، راه‌های رسیدن به اهداف است و طرح راهبردی آن نقشه کلی است که جایگاه و مسیر مأموریتی هر راهبردی را مشخص می‌کند. (تطبیق ش ۲)

۴- در بسیاری موارد مبانی و اهداف مشترک است ولی به جهت طرح‌های متفاوت، جریانات از هم جدا و متمایز می‌شوند، پیش از انقلاب تقریباً همه مراجع مخالف سیاست‌ها و رفتارهای رژیم پهلوی بودند ولی تنها کسی که طرحش سرنگونی و انقلاب بود امام بود.

✓ تطبیقات:

۱- «در طول این جنبش از سال ۴۲ که مبارزه کنونی ما البته بر پایه، مبارزات گذشته اما در هویت و در ویژگیها مبارزه‌ای خاص و مستقل آغاز شد جابجا به حوادثی برخورد میکنیم که در آن حوادث

دست قدرتمند اراده ی انسان والا را و تاثیر قاطع و سازنده ی این اراده را بوضوح مشاهده می کنیم ، آن روزی که جنبش از مرکزی که انتظار آن نمی رفت از کانون گرم علمی قم و با پیشگامی و پیشقراولی مردانی که جز در چهره علمی و منش تحقیقی شناخته نشده بودند و با دست اندر کاری و صحنه گردانی امتی و ملتی که سالها غبار سکوت و رکود بر روی آتش گداخته ی هیجانهایش کشیده شده بود ، آغاز شد.

امام مراحل این مبارزه را قدم بقدم پیمود و تاکتیکهای او همه از یک اصل ، یک شیوه ، یک نوع اصول ، یک روال در طول این مدت پیروی کرد تاکتیک هائی که نشان می داد که در ورای آن یک نقشه کلی و یک طرح کلی ، یک استراتژی مستحکم وجود دارد نه تاکتیکهای زمانی و روز بروز بدست آمده.

ملت ما کی میتواند احساس کند که مبارزه ی او پایان یافته ؟ آن وقتی که این مراحل را تمام و کمال پشت سر بگذارد... باید مبارزه کنیم و چون باید مبارزه کنیم پس باید خوی و خصلت مبارزه را در خود حفظ کنیم و در خود رشد بدهیم و خصلتهای ضد مبارزه را برداریم و ریشه کن کنیم و این است خط امام.»

۲- «سه مؤلفه ی بزرگ را برای همه ی تصمیم گیرها و همه ی اقدامها در نظر داشته باشد:

مؤلفه ی اول عبارت است از آرمانها و اهداف نظام جمهوری اسلامی؛ که این اهداف و آرمانها مطلقاً ناپیستی از نظر دور بشود؛ که آرمان نظام جمهوری اسلامی را میشود در جمله ی کوتاه "ایجاد تمدن اسلامی" خلاصه کرد ...

مؤلفه ی دوم عبارت است از راههایی که ما را به این اهداف میرساند؛ راهبردهای عمومی و کلی؛ این راهبردها را بایستی شناخت.

[او سوم] واقعیات، واقعیات را هم باید دید.»^۱

☑ سرفصل سوم: همراه نشدن با طرح انقلاب

۱- ریشه بسیاری از مخالفت ها و همراهی نکردن ها و نق زدن ها به رهبری ندانستن طرح راهبردی انقلاب است.

۲- سخنان حضرت سیدالشهدا از مدینه تا کربلا، مبین این است که علت اصلی عدم همراهی بسیاری از شیعیان با ایشان، قبول نکردن طرح ایشان و پیشنهاد طرح های جایگزین به ایشان است.

۳- عدم ارائه و تبیین و فهم طرح راهبردی انقلاب، اسباب بسیاری از انفعالات و بعضاً یأس هایی را در فضای نیروهای انقلاب پدید آورده است. این معضل در میان طبقه ای از نخبگان که به صورت

^۱ بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۹۲/۶/۱۴

- کنشگران فعال در صحنه قرار گرفته اند، از دریچه بیان انتقادات اساسی پیرامون عملکرد رهبری انقلاب و نامشخص بودن صحنه مبارزه، ظهور بسیار بیشتری هم پیدا کرده است.
- ۴- طرح راهبردی است که مشخص می کند یک دهه باید شعارهای سال اقتصادی باشد و نه فرهنگی.
- ۵- طرح راهبردی است که مشخص می کند حجاب مسئله اصلی کشور بشود یا نشود.
- ۶- طرح راهبردی است که مشخص می کند برای عدالت خواهی قانون مداری باید محور باشد یا نباشد.
- ۷- طرح راهبردی است که مشخص می کند بدون مبارزه با آمریکا در منطقه، مبارزه با فساد در کشور واهی است.
- ۸- طرح راهبردی است که مشخص می کند برای فعالیت های انقلابی باید تمرکز روی کارهای خودجوش باشد یا سازمانی.
- ۹- طرح راهبردی انقلاب برخلاف علوم انسانی که مبتنی بر "عقلانیت مدرن" است مبتنی بر "عقلانیت اصیل شیعی یا اسلام ناب" است، که باید به عنوان یک سرفصل متمایز شناسایی شود.
- ☑ سرفصل چهارم: برداشتن گام اول با عنصر اراده ملی
- ✓ جملات کلیدی:

۱- متن بیانیه:

" به رغم همه ی این مشکلات طاقت فرسا، جمهوری اسلامی روز به روز گامهای بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفتهای شگفت آور در ایران اسلامی است. عظمت پیشرفتهای چهل ساله ی ملت ایران آنگاه بدرستی دیده میشود که این مدت، با مدتهای مشابه در انقلابهای بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود. مدیریتهای جهادی الهام گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما میتوانیم» که امام بزرگوار به همه ی ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه ی عرصه ها رسانید.

انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار بشدت تحقیر شده و بشدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده ی ملی را که جانمایه ی پیشرفت همه جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان دار اصلی حوادث و وارد عرصه ی مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما میتوانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد."

۲- گام اول به عنوان بخشی از مسیر انقلاب اسلامی است که می توان آن را دوران تأسیس و تثبیت انقلاب دانست. موفقیت های این دوران عبارتند از؛ ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران،

ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی، به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه‌ی خدمت‌رسانی، ارتقاء شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم، سنگین کردن کفه‌ی عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور، افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه، ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان.

۳- بیانیه در لابلای توضیح مؤفقیت‌های گام اول اصرار دارد که رمز دستیابی به این مؤفقیت‌ها را نیز بازگو نماید. و می‌گوید که عنصر کلیدی مسئله اراده ملی است. زمانی که اراده ملی شکل گرفت، جوانان وارد عرصه شدند و باور ما می‌توانیم در تمام کشور حکم فرما شد و همه این مؤفقیت‌ها در سایه سار آن پدیدار گشت.

۴- هدف بیانیه از پافشاری بر این مسئله القای همین عنصر برای گام دوم انقلاب است که توضیح آن در ادامه مباحث خواهد آمد.

☑ سرفصل پنجم انقلاب اسلامی اولین مرحله از طرح

۱- انقلاب منظور یک اتفاق صرفاً سیاسی و تعویض ظاهر یک حاکمیت نیست بلکه انقلاب همان قیام‌الله و دگرگونی بنیادین و درونی ملت ایران است. (تطبیق ش ۱ و ۲)

۲- انقلاب همان آرزویی بود که امام در نامه تاریخی خود ملقب به قیام‌الله، در اردیبهشت ۱۳۲۳، مردم ایران را بدان دعوت کرد.

۳- انقلاب مایه اصلی طرح راهبردی انقلاب است لذا باید در تمامی مراحل ساری و جاری باشد. (تطبیق ش ۳)

۴- انقلاب در هر مرحله ای بنا به اقتضائات خاص خودش متجلی می‌شود کما این که در ابتدا قیام ولی‌اکنون به استقامت مبدل شده است.

✓ تطبیقات:

۱- «ما می‌خواهیم آن نظامی، آن تشکیلاتی و آن حکومتی را که بتوان این هدفها را در آن محقق کرد، به وجود آوریم. این یک فرآیند طولانی و دشواری دارد و شروع از انقلاب اسلامی است. البته انقلاب که می‌گوییم، حتماً به معنای زد و خورد و شلوغ کاری و امثال اینها نیست؛ برخلاف آن برداشتهایی است که می‌بینیم در بعضی از نوشته‌ها خوششان می‌آید با کلمه‌ی انقلاب بازی کنند! گاهی می‌خواهند انقلاب را به معنای شورش، اغتشاش، بی‌نظمی و بی‌سامانی وانمود کنند و بگویند ما انقلاب نمی‌خواهیم؛ یعنی انقلاب چیز بدی است! این برداشتهای غلط از انقلاب است. انقلاب یعنی دگرگونی بنیادی. البته این دگرگونی بنیادی در اغلب موارد بدون چالشهای دشوار و بدون زورآزمایی، امکانپذیر نیست؛ اما معنایش این نیست که در انقلاب حتماً بایستی اغتشاش و شورش و

امثال اینها باشد؛ نه، ولی هر شورش و هر اغتشاش و هر تهیج عام و توده‌ای هم معنایش انقلاب نیست؛ هر تحولی هم معنایش انقلاب نیست؛ انقلاب آن جایی است که پایه‌های غلطی برچیده می‌شود و پایه‌های درستی به جای آن گذاشته می‌شود. این قدم اول است.^۲

۲- «انقلاب مراحل دارد؛ آنچه در اول انقلاب در سال ۵۷ اتفاق افتاد، مرحله‌ی اول انقلاب بود یعنی انفجار در مقابل نظام غلط باطل طاغوت و ایجاد یک نظام جدید بر مبنای آرمانها و ارزشهای نو و با لغت نو، با تعبیر نو، با مفاهیم نو؛ این مرحله‌ی اول انقلاب بود. بعد در مرحله‌ی دوم، این نظام بایستی ارزشها را محقق کند؛ این ارزشها و آرمانهایی که حالا اشاره میکنم و بعضی را میگویم، باید در جامعه تحقق ببخشد. به این ارزشها اگر بخواهد تحقق ببخشد، یک دستگاه مدیریتی لازم دارد که آن میشود دولت انقلابی. بنابراین مرحله‌ی بعد از نظام انقلابی، ایجاد دولت انقلابی است، دولتی که ارکان آن، انقلاب را از بن دندان باور کرده باشند و دنبال انقلاب باشند. بعد که این دولت انقلابی تشکیل شد، آن وقت بایستی به وسیله‌ی اجرائیات درست -قانون درست، اجرای درست- این آرمانها و ارزشهایی که مطرح شده، این آرزوهای بزرگ انقلابی، یکی یکی در جامعه تحقق پیدا کنند؛ آن وقت نتیجه میشود جامعه‌ی انقلابی؛ یک جامعه‌ی انقلابی به وجود می‌آید که این مرحله‌ی چهارم است. حرکت انقلابی، نظام انقلابی، دولت انقلابی، جامعه‌ی انقلابی؛ این چهارم است. بعد که جامعه‌ی انقلابی درست شد، آن وقت زمینه برای ایجاد تمدن انقلابی و اسلامی به وجود می‌آید. حالا من تعبیر به «انقلابی» کردم؛ به جای کلمه‌ی «انقلابی» میتوانید کلمه‌ی «اسلامی» بگذارید؛ یعنی دولت اسلامی، جامعه‌ی اسلامی، تمدن اسلامی؛ این مراحل است که وجود دارد.^۳

۳- «انقلاب تمام نمیشود، انقلاب استمرار دارد، انقلاب ادامه دارد، انقلاب متوقف نمیشود. یک سیوروتی وجود دارد؛ سیوروت یعنی شدن، شدن دائم، تحول دائمی؛ در مسیر انقلاب یک سیوروت دائمی‌ای وجود دارد که این سیوروت دائمی، بتدریج آن آرزوهای بزرگ را، آن ارزشهای والا را، آن آرمانها را در جامعه تحقق میبخشد.»^۴

☑ خلاصه بحث و جمع بندی جلسه اول:

بیانیه گام دوم زائیده ذهن شخصیتی است که ۶۵ سال است وسط میدان مبارزه است، که ۳۰ سال نیز سابقه رهبری دارد. برای فهم اراده نویسنده این متن، نیاز اصلی این است که بیانیه در افق و دورنمای ذهنی او مطالعه شود. این افق چیزی نیست جزء طرح حرکتی انقلاب اسلامی. همه تحلیل‌ها و توصیه‌ها دایره مدار آن شکل گرفته است. عدم همراهی و تفاهم در کلیت و اجزای این طرح،

^۲ بیانات در ۷۹/۹/۱۲

^۳ ۹۷/۳/۷

^۴ ۹۷/۳/۷

عدم همراهی با آرمان های انقلاب را به دنبال خواهد داشت. اولین مرحله از این طرح خود انقلاب اسلامی به عنوان مغزا و جوهره طرح راهبردی انقلاب اسلامی است.

☑ منابع بیشتر جهت استفاده ارائه دهنده و مخاطبین:

۱- بیانات رهبری در ۸۰/۹/۲۱ و ۸۴/۵/۲۸

۲- پیام قیام لله امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۳

جلسه دوم

نظریه نظام انقلابی

✓ پرسش های متن ساز:

- ۱- چرا رهبری اصرار دارند که باید تا ابد به نظریه نظام انقلابی مؤمن باشیم؟
- ۲- نگاه شاه فقیهی به ولی فقیه از کجا ناشی می شود؟
- ۳- چگونه انقلاب و حرکت، با نظام و ایستایی قابل جمع است؟
- ۴- انقلابی گری و عدالت خواهی در چارچوب نظام انقلابی چه سبکی است؟

✓ سرفصل اول: نظام اسلامی دومین مرحله از طرح

✓ جملات کلیدی:

۱۰- متن بیانیه:

«انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بارآده، همواره دارای انعطاف و آماده‌ی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان میدهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرفهای بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزشهایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به

رکود و خموشی دچار نشده و نمیشود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمیبیند، بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع میکند.»

- ۱۱- دومین مرحله از طرح راهبردی انقلاب نظام سازی است.
- ۱۲- بسیاری از ما بارها و بارها در تنگناها، حداقل در نزد خود و بی‌آنکه آشکارا بیان کنیم، از عدم ورود رهبری برای حل معضلاتی بزرگ، که به‌نظرمان با دخالت مستقیم رهبری قابل حل است، شکوه کرده‌ایم. همان تلقی که از یک شاه در اداره کشور داشته ایم را از یک فقیه داریم.
- ۱۳- رفتار سیاسی حضرت امام خمینی رحمه‌الله و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این دوران چهل ساله بر «نظام‌سازی» استوار بوده است.
- ۱۴- نهضت انقلابی، وارث ساختارها و نهادهای دوران پهلوی بود؛ و بطور عمده با همان نهادها و ساختارها، و در برخی موارد با همان نگرش‌های فکری- کارشناسی و در برخی موارد در ضدیت با نگرش‌های فکری- کارشناسی پیشین، امامین انقلاب بخشی از تلاش چهاردهه‌ای خود را مصروف نظام سازی انقلاب در دل جمهوری اسلامی کرده اند، تلاش صبورانه برای نهادینه کردن حکومتی که باید «نظام» باشد. (تطبیق ش ۱)
- ۱۵- نظام یعنی هندسه‌ی عمومی جامعه، نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در زیرساخت حاکمیتی پیاده کردن.
- ۱۶- مصداق عینی و رو زمین نظام اسلامی، تدوین قانون اساسی است.
- ۱۷- نظام اسلامی یعنی منبع تقنین و معیار و ملاک اجرا و ارکان تصمیم‌گیری در کشور اسلام باشد؛ ارکان حکومت- قوه‌ی مجریه، قوه‌ی مقننه، رهبری، قوه‌ی قضاییه و دیگر ارکان- چیده شده باشد و قانون اساسی آمد همه‌ی اینها را تثبیت کرد؛ لذا پایه‌گذاری‌های اصولی بر مبنای نگاه اسلام انجام گرفت.

✓ تطبیقات:

۱- «نظام اسلامی، پس از انقلاب اسلامی تشکیل شد. شورش انقلابی و نهضت انقلابی می‌توانست انجام بگیرد، اما نظام غیراسلامی تشکیل شود. خیلی جاها این‌طور شده؛ در الجزایر همین‌طور بود. در الجزایر، نهضت، اسلامی بود. اصلاً پایگاه نهضت و رهبران نهضت، مسلمانها بودند؛ اما بعد از آن که نهضت به نتیجه رسید، کسانی که اعتقادی به مبانی تفکر اسلامی نداشتند، آمدند قدرت را در دست گرفتند.

این‌جا هم همین کارها داشت می‌شد. در همان روز ۲۱ بهمن و ۲۲ بهمن و ۲۳ بهمن از این کارها داشت می‌شد. بنده از نزدیک در جریان برخی از کارها بودم؛ داشتند حرکت می‌کردند که به

اصطلاح خودشان یک جنبش کارگری و یک حرکت کارگری را بر این حرکت عمومی تغلیب کنند و همان فرمولی که در روی کار آمدن نظام‌های سوسیالیستی در دنیا معمول است - یعنی انقلاب طبقه ی کارگر - تحقق بدهند و بعد هم یک چند نفر سر کار بیایند؛ منتها امام را محاسبه نکرده بودند؛ یعنی این گوهر خدشه ناپذیر شکست ناپذیر را در محاسبات شان ندیده بودند؛ لذا سخت ضربه خوردند. حتی روز سوم بعد از پیروزی انقلاب راه افتادند آمدند جلوی بیت امام در مدرسه ی علوی و تظاهرات کردند و مطالبات به اصطلاح سوسیالیستی و کارگری را مطرح کردند. ولی نظام اسلامی تشکیل شد.^۵

☑ سرفصل دوم: نظریه نظام انقلابی

- ۱- رهبری در متن بیانیه تأکید دارند که ما تا ابد نسبت به نظریه نظام انقلابی پایدار می مانیم.
- ۲- بسیاری از نظریه پردازان داخلی و خارجی این جمله را تکرار میکنند که ایران باید بین دو گزینه ی «دولت- ملت» بودن یا «نهضت انقلابی» بودن یکی را انتخاب کند. برخلاف این دیدگاه، بیانیه گام دوم بر مفهوم راهبردی «نظام انقلابی» تأکید میکند. (تطبیق ش ۱)
- ۳- در ادبیات سیاسی، دو مفهوم «رژیم» و «نظام» متفاوت است. «رژیم» معمولاً به حکومتی اطلاق می شود که با اتکا بر قهر و غلبه می تواند سلطه خود را بر جامعه ای مستقر کند ولی بطور نسبی قادر به ایجاد پیوند طبیعی با تاروپود آن جامعه نیست. بدینسان، «رژیم» فاقد آن توانمندی و کارمایه درونی است که با جامعه پیوند جدی برقرار کند و به این دلیل پس از دورانی، معمولاً نه چندان طولانی، حذف می شود یا از درون می پاشد.
- ۴- در دوران استعماری از قرن ۱۶ تا ۲۰ میلادی یعنی دورانی که بتدریج غرب جدید تکوین یافت و حاکمیت جهانی خود را مستقر کرد، در بسیاری از کشورهای اسلامی، چنین «رژیم»هایی پدید آمدند؛ در بسیاری موارد با دخالت مستقیم و غیرمستقیم کانون های قدرت جهانی و به شکلی تحمیل شده بر جوامع بومی و فاقد پیوندهای طبیعی با تاریخ و فرهنگ و سنن آن جوامع. بدین ترتیب، «رژیم»های سیاسی عمری کوتاه داشتند و به دلیل جابجایی مدام این نوع حکومت ها بویژه در دو قرن اخیر بخش مهمی از جهان معاصر با تلاطم های سیاسی فراوان مواجه بوده است.
- ۵- در مقابل، در جوامعی که با انقطاع مدام در سیر تحول طبیعی سیاسی مواجه نیستند، تسلسل و تداوم نهادها و ساختارهای اجتماعی و سیاسی برای دورانی طولانی بطور نسبی حفظ می شود و «نظام سیاسی» پدید می آید.

۶- «نظام سیاسی» با جامعه پیوند طبیعی می‌باید و بخش‌هایی از آن به ساختارها و نهادهای مدیریت جامعه بدل می‌شود بنحوی که حذف این بخش‌ها قابل تصور نیست. در جهان امروز، در برخی جوامع غربی، که تداوم و تسلسل نظم سیاسی طی چند سده حفظ شده، برخی ساختارها و نهادهای اجتماعی چنین وضعی یافته و به سازوکار و ابزار مدیریت جامعه بدل شده‌اند.

۷- مسئله کلیدی چگونگی جمع شدن انقلاب با نظام سیاسی است، بسیاری از همان ابتدای انقلاب ادعای خودخور و خود متناقض بودن این عنوان را داشتند.

۸- علم اجتماعی غربی، از این نظر دفاع می‌کند که «نهضت» نمی‌تواند سازگار با «نهاد» باشد و چون «نهضت» به «نهاد» تبدیل شد، خواه‌ناخواه دوران «نهضت» به سر خواهد آمد. این امر بدان دلیل است که ذات نهضت، «پویایی» است و ذات نهاد، «ایستایی»؛ و این دو امر متناقض، در محل واحد جمع نمی‌شوند.

۹- از این رو مدعی می‌شوند؛ «نظام انقلابی» تعبیری متناقض‌نما و متنافی‌الاجزا است؛ هنگامی که انقلاب به نظام تبدیل می‌شود، دیگر نمی‌توان سخن از انقلاب گفت و به روش‌ها و مقاصد انقلابی تن داد و ادعای انقلابیگری داشت.

۱۰- نظریه نظام انقلابی با دو طیف مخالف روبروست یکی گرایش حداقلی به انقلاب و دیگری گرایش ظاهراً حداکثری به آن. در گرایش حداقلی، نهضت از ابتدا مبتلا به یک جریان لیبرال منتقد است، دعوای شدید پیرامون تدوین قانون اساسی و گنجاندن اصل ولایت فقیه در آن و جداسدن نهضت آزادی و جبهه ملی از قطار انقلاب از اولین نشانه‌های بروز این جریان در دل انقلابیون بوده است.

۱۱- بر این اساس این جریان، «اصلاح» را جایگزین انقلاب کردند. آن عده که «اصلاح و اصلاحگری» را می‌ستایند، به مذمت انقلاب می‌پردازند و انقلاب را به واقعیتی آغشته به هیجان‌های کورکورانه و دشمن‌تراش و بلندپروازانه متهم می‌کنند که ما را به ناکجاآباد سوق می‌دهد؛ و لذا بر این باورند که باید میان این دو، یکی را انتخاب کنیم، به طوری که یا باید دوران انقلاب و انقلابیگری را به‌سرآمده و تمام‌شده فرض کنیم و به قواعد حکمرانی متداول گردن نهیم، یا باید معترضان و ناسازگاران، در برابر دنیا قرار گرفته و قید یک حاکمیت دائمی را بزنیم.

۱۲- گرایش حداقلی یک گرفتاری‌هایی پدید می‌آورد، یکی اینکه تنها با صورت و پوسته انقلاب و اسلام همراه است، تمام تلاش خود را میکند که طرح‌ها ماهیتاً تغییر کند، نگاه می‌کنید می‌بینید که مقید به نماز شب است، درس اخلاق می‌رود، اما نوبت به نگاه‌های تخصصی

که می‌رسد، مقید است که اصول انقلاب و دیدگاه‌های دینی نباید ورود کند، اصلاً هم نمی‌تواند طور دیگری فکر بکند، همان طوری که در آکادمی یاد گرفته است، همانطور فکر می‌کند. ۱۳- جریان گرایش ظاهراً حداکثری نیز کمتر خود را در قالب‌های آکادمیک و نظری نشان داده است ولی در بسیاری از رویه‌های عملی و کنش‌های سیاسی می‌گوید که دشمن اصلی انقلاب همین ساختارها و نظام مند شدن انقلاب است، برای آینده انقلاب چیزی شبیه به آنارشیسم را در لابلای نگاه‌های خود فریاد می‌زنند.

۱۴- نظریه نظام انقلابی می‌گوید که انقلابی‌گری صرفاً در بستر نظام محقق می‌شود و این مطلب که انقلاب با نظام و قانون و حاکمیت قابل جمع نیست روحیه ایست که تا حدود زیادی در بین خود انقلابیون هم وجود دارد، یکی از بروزات جدی این روحیه در نوع انتظاراتی است که رهبری جامعه برای اصلاح مورد به مورد امور داریم و دیگری گرایش‌ها ما به مدل‌های خاصی از عدالت خواهی است. (تطبیق ش ۲)

۱۵- عدالت خواهی‌هایی که منجر به زیرسؤال نبردن ساختارها و بنیادهای موجود نشود و همه ارکان نظام را به جزء شخص رهبری فاسد نداند معمولاً از دیدگاه خود ما عدالت خواهی محسوب نمی‌شود.

✓ تطبیقات:

۱- «در مجموعه‌ی انقلاب، از اوّل انقلاب یک تفکّر غلطی وجود داشت و آن این بود که انقلاب، تا وقت تشکیل نظام است؛ وقتی که نظام تشکیل شد و نهادها و مقررات و دیوان‌سالاری و مانند اینها مستقر شد، دیگر انقلاب برود دنبال کارش؛ دیگر کاری با انقلاب نداریم؛ انقلاب را هم معنا میکنند به تنش و دعوا و سروصدا و کارهای غیر قانونی و از این حرفها. یک چنین تفکّری مال امروز نیست و از روز اوّل پیروزی انقلاب یک چنین تفکّری وجود داشت؛ این تفکّر، غلط است.»^۶

۲- «انقلابیگری هم فقط در بستر نظام امکان‌پذیر است؛ این طرف قضیه را هم توجّه داشته باشید. این جور نباشد که بعضی نظام را نفی کنند به‌عنوان اینکه ما انقلابی هستیم؛ ارزشهای نظام، ارکان نظام، بنیانهای نظام را زیر سؤال ببرند به‌عنوان اینکه ما انقلابی هستیم. انقلابیگری به معنای ویرانگری نیست. انقلابیگری یک مشی صحیح و عاقلانه و پُرانگیزه و پُر امید و شجاعانه به سمت اهداف والا است؛ این تعریف و معنای انقلابیگری است؛ و این فقط در بستر و مسیر نظام اسلامی یعنی نظام موجود امکان‌پذیر است؛ خارج از این امکان‌پذیر نیست. انقلابیگری، ساختار شکنی نیست؛ تخریب نظام ناشی از انقلاب نیست. این هم این مطلب.»^۷

^۶ بیانات در ۹۷/۳/۷

^۷ بیانات در ۹۷/۳/۷

☑ خلاصه بحث و جمع بندی:

نظام یعنی هندسه‌ی عمومی جامعه، نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در زیرساخت حاکمیتی پیاده کردن. بیانیه گام دوم بر مفهوم راهبردی «نظام انقلابی» تاکید میکند، مسئله کلیدی چگونگی جمع شدن انقلاب با نظام سیاسی است، بسیاری از همان ابتدای انقلاب ادعای خودخور و خود متناقض بودن این عنوان را داشتند. نظریه نظام انقلابی می گوید که انقلابی گری صرفاً در بستر نظام محقق می شود.

☑ منابع بیشتر جهت استفاده ارائه دهنده و مخاطبین:

۱- بیانات رهبری در دیدار جمعی از دانشجویان ۹۷/۰۳/۰۷

۲- بیانات رهبری در تاریخ های ۸۰/۰۹/۲۱ ، ۸۳/۰۸/۰۶ ، ۸۴/۰۵/۲۸ ، ۹۰/۰۷/۲۴

جلسه سوم

مبارزه تمدنی؛ وظیفه منتظران

☑ پرسش های متن ساز:

- ۱- راهکار پیشنهادی انقلاب برای تحقق دولت اسلامی چیست؟
- ۲- چرا حدود ۳۰ سال است در مرحله دولت اسلامی متوقف مانده ایم؟
- ۳- لزوم تقدم دولت اسلامی بر مرحله جامعه اسلامی چیست؟
- ۴- اثرات این که افق بیانیه افقی تمدنی است، چیست؟
- ۵- چرا طرح راهبردی انقلاب تمدن سازی را در بستر مبارزه می دانند؟
- ۶- نسبت آمادگی برای ایجاد تمدن اسلامی با مسئله غیبت و ظهور امام عصر (عج) چگونه است؟

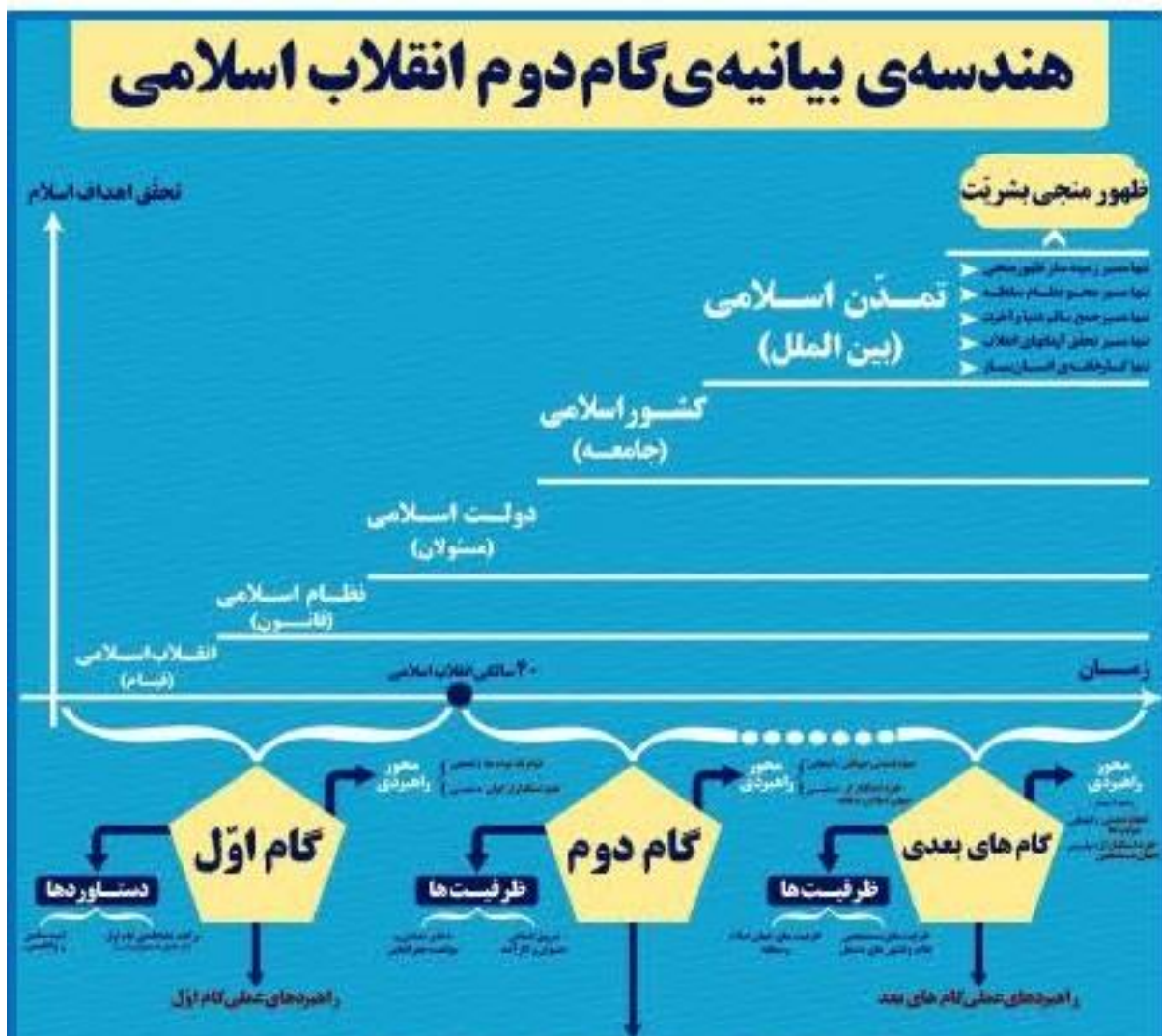
☑ سرفصل اول: دولت اسلامی سومین مرحله از طرح

✓ جملات کلیدی:

- ۱- اسلامی یا انقلابی شدن دولت نه فقط مربوط به قوه ی مجریه باشد بلکه شامل همه ی کارگزاران نظام اسلامی و همه ساختارهای آن است.
- ۲- از همان ابتدای انقلاب، تلاش برای تشکیل دولت اسلامی شروع شد. بعضی ها می گویند شما بعد از ۲۷ سال می خواهید دولت اسلامی تشکیل دهید؟ نه، تلاش و اقدام برای تشکیل دولت اسلامی

از روز اول شروع شد؛ منتها افت و خیز داشته؛ پیشرفت و عقب گرد داشته؛ در جاهایی موفق بودیم، در برهه‌ی موفق نبودیم.

۳- الان در مرحله دولت‌سازی قرار داریم، گام اولی که برداشته شده است ما را تا موقعیت تلاش برای تشکیل دولت انقلابی رسانده است و دقیقاً گام دوم تلاش برای تحقق کامل این آرمان است.



۴- محور اصلی در اسلامی شدن دولت، نظریه مردم‌سالاری دینی و نظریه حاکمیت مردم است.

۵- در این نگاه این اراده مردم است که تعیین‌کننده است نه اراده‌های حاکمیتی. اراده‌های حاکمیتی فرع اراده مردم محسوب می‌شود نه اصل و مقدم بر آن.

۶- اصل انقلاب با قیام مردم شکل گرفت و بنایش بر مردم‌سالاری بود، این یکی از مختصات و ثابتات صدور بیانیه نیز هست، برای تحقق دولت در یک نظام امت و امامت همه نگاه‌ها باید به اراده‌های مردم باشد.

۷- هدف از تشکیل دولت اسلامی به پیش کشیدن و رشد مردم است و برای رشد مردم توجه به موقف واقعی آنها و «خواستهای مشروعشان» لازم است. تنها فرمان درست برای یک دستگاه حاکمیتی نگاه مثبت به مردم و مردمی بودن و درد آنها را فهمیدن و برتر از ایشان ننشستن و قیود فراوانی نزدیک به این معنا می‌خواهد. یک مسؤول اسلامی باید روح جامعه و شخصیت جامعه را به دست بیاورد و با آن تعامل صمیمانه داشته باشد.

۸- اراده مردم بسیار سالم‌تر از اراده خواص جامعه و کارگزاران دولت است، عملاً اراده واقعی اصلاح از طرف توده مردم است و اراده‌های تشریفاتی اصلاح از طرف خواص. لذا اگر اشراب شدن اراده مردم در همه ساختارهای حاکمیتی محقق شود، می‌توان گفت دولت اسلامی تا حد زیادی تحقق یافته است.

۹- از طرفی اراده جمعی مردم از قدرتی فوق قدرتهای شناخته شده در عالم طبیعت برخوردار است. امام می‌فرمود اراده مردم مظهر اراده الهی است. ما برای به جریان انداختن مطلوبیت‌های اسلامی از جمله تحقق دولت انقلابی به این اقتدار نیاز داریم.

۱۰- نوشتن بیانیه خطاب به مردم و جوانان برای برداشتن گام دوم طرح انقلاب و محقق کردن دولت اسلامی صرفاً در چارچوب نظریه حاکمیت مردم قابل تحلیل است.

۱۱- شعارهای سال یک دهه است همگی اقتصادی است، رهبری می‌خواهند تمرکز روی مردمی شدن اقتصاد باشد. اقتصاد مردمی یکی از ارکان اصلی دولت اسلامی است.

۱۲- تا دولت اسلامی در قواره ای کامل شکل نگیرد، جامعه اسلامی شکل نخواهد گرفت. فرهنگ از احکام و لوازم جامعه است. لذا بسیاری از انتظارات فرهنگی جامعه مذهبی ایران از انقلاب و جمهوری اسلامی مثلاً در مسئله حجاب، ناشی از نگاه غیر فرآیندی است.

✓ تطبیقات:

۱- «ما در کدام مرحله‌ایم؟ ما در مرحله سومیم؛ ما هنوز به کشور اسلامی نرسیده‌ایم. هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که کشور ما اسلامی است. ما یک نظام اسلامی را طراحی و پایه‌ریزی کردیم- «ما»، یعنی همانهایی که کردند- و الان یک نظام اسلامی داریم که اصولش هم مشخص و مبنای حکومت در آن جا معلوم است. مشخص است که مسؤولان چگونه باید باشند. قوای سه‌گانه وظایفشان معین است. وظایفی که دولتها دارند، مشخص و معلوم است؛ اما نمی‌توانیم ادعا کنیم که

ما یک دولت اسلامی هستیم؛ ما کم داریم. ما باید خودمان را بسازیم و پیش ببریم. ما باید خودمان را تربیت کنیم.^۸

۲- «البته دولت اسلامی کامل به معنای واقعی کلمه، در زمان انسان کامل تشکیل خواهد شد؛ ان شاء الله. خوشا به حال کسانی که آن روز را درک می‌کنند. همه‌ی ما انسانهای ناقصی هستیم. ما به قدر توان و تلاش خود می‌خواهیم مجموعه‌ی کارگزاران حکومت را- که خودمان هم جزو آنها هستیم- به نقطه‌ی برسانیم که با نصاب جمهوری اسلامی تطبیق کند. ما می‌خواهیم خود را به حد نصاب نزدیک کنیم. اگر دولتی می‌آید و می‌گوید هدفم این است که این را تحقق ببخشم، خیلی چیز مبارک و خوبی است.»^۹

۳- «اگر دولت ما اسلامی شد، آن وقت کشورمان اسلامی خواهد شد. اگر من و شما در معاشرت-مان، در رفتارمان، در طلب مال-مان، در مجاهدت-مان، نتوانستیم خود را به حد نصاب برسانیم، از آن دانشجو، از آن جوان بازاری، از آن عنصر در رده‌های پایین دولتی، از آن کارگر، از آن روستایی، از آن شهری چه توقعی می‌توانیم داشته باشیم که اسلامی عمل کنند؟ چرا مردم را بیخود ملامت می‌کنیم؟ نباید ملامت کنیم. اگر کمبودی هست، خودمان را باید ملامت کنیم؛ «لوموا انفسکم».^{۱۰}

☑ سرفصل دوم: تمدن نوین اسلامی

✓ جملات کلیدی:

۱- متن بیانیه:

"عزیزان! نادانسته‌ها را جز با تجربه‌ی خود یا گوش سپردن به تجربه‌ی دیگران نمیتوان دانست. بسیاری از آنچه را ما دیده و آزموده‌ایم، نسل شما هنوز نیازموده و ندیده است. ما دیده‌ایم و شما خواهید دید. دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شما باید کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌افدا) است، نزدیک کنید. برای برداشتن گامهای استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت."

۲- بیانیه می‌گوید، انقلاب اسلامی هدف خودش را کمتر از تمدن سازی در نظر نگرفته است، شاید از اوایل انقلاب و مجموعه منویات امام (ره) حرفی از عنوان تمدن نبود ولی نوع حرف‌هایی که زده می‌شد همه اش در همین وادی و همین افق بوده است. و اساساً اصل این که انقلاب اسلامی با فرمان

^۸ بیانات در ۷۹/۹/۱۲

^۹ بیانات در ۸۴/۶/۸

^{۱۰} همان

داری امام دارد در یک طرح منسجم کلی به سمت تشکیل یک هویتی شبیه به تمدن، حرکت می کند غیرقابل خدشه است. (تطبیق ش ۱)

۳- این که بیانیه در افق تمدنی صادر می شود خودش فی نفسه معنادار است. جایگاه رهبری در موضوع انقلاب اسلامی تعریف می شود و بدین لحاظ رهبر انقلاب با نظر به حفظ ایده ها و آرمان های انقلاب، مسئولیت تحقق تمدن اسلامی را به عهده دارند. وقتی بحث تمدن اسلامی به میان می آید، بدین معناست که انقلاب اسلامی از سطح یک امر سیاسی بالاتر است و بناست پس از دولت اسلامی و جامعه ی اسلامی، تمدنی بشری و جهانی مدّ نظرها قرار بگیرد و بدین لحاظ، انقلاب اسلامی با طرح تمدن اسلامی بنا دارد از آرمان های خود عقب نشینی نکند.

۴- در انقلاب اسلامی نظر به ایده و آرمانی است که آن ایده و آرمان، رویکرد تمدنی دارد و چیزی است ماوراء یک حرکت سیاسی برای تشکیل یک نظام سیاسی، و آن عبارت است از ایده ی به ظهور آمدن انسانی که بنا دارد تعریف دیگری از زندگی را برای خود ترسیم کند؛ زندگی متعالی قدسی که تمام مناسبات شخصیت انسان در نسبت با خدا و رهنمودهای الهی شکل بگیرد. اینجاست که می توان گفت انقلاب اسلامی از ابتدا به سوی تحقق تمدنی خیز برداشته که غیر از تمدن غربی است و بدین لحاظ نام آن را «تمدن نوین اسلامی» باید گذاشت.

۵- اساساً اهداف و آرمان هایی که انقلاب اسلامی برای خود لیست کرده است جزء در قالب هویتی شبیه به یک تمدن امکان تحقق ندارد.

۶- تمرکز بیانیه بر توجه دادن به این است که آنچه در حال ظهور است نقش تاریخی و تمدن ساز انقلاب اسلامی است که این مهم همراه شده است با افول روزافزون تمدن غربی. با این توضیح لازم است امید به غرب در تمامی ارکان انقلاب از بین برود و همه عزم ها برای پایه گذاری تمدن اسلامی متمرکز شد.

۷- یک بحثی در حکمت داریم که غایت، به شیء هویت می دهد، مثلاً فرض بفرمایید من می گویم می خواهم بشوم مربای به لیمو، اصلاً تو دیگر از همان اولش هم یک چهره و جلوه از مربای به لیمو هستی. می خواستی بروی آن بشوی، از همین اولش هم همانی، همانی کلاً، غایت می آید هویت، این بسیار نکته ی مهمی است.

۸- در بیانیه تمدن نوین اسلامی هدف گرفته شده است. این افق هویتی درست می کند، در واقع از باب شیئت شیء به فصل اخیرش هست، شما موقعی که این را کرانه ی هویتی تان قرار دادید، اصلاً شما را کلاً دیگر باید تمدن دید. آقا سقف دغدغه ی تو چیست؟ تمدن. اگر شما واقعاً آن باشی، من دیگر شما را کلاً تمدن می بینم.

✓ تطبیقات:

۱- «وقتی که ملت ایران توانست خود را به آن نقطه‌ای برساند که بتواند به‌عنوان یک ملت مسلم به معنای حقیقی کلمه خود را به دنیا نشان بدهد، این بزرگ‌ترین تبلیغ اسلام است؛ ملت‌های دیگر هم روانه‌ی همین طرف خواهند شد و تشکیل امت بزرگ اسلامی که مایه‌ی عزت و مایه‌ی ترویج اسلام در سراسر جهان است، اتفاق خواهد افتاد؛ آن مدنیت اسلامی که انتظارش را داریم که بتواند بر مدنیت مادی گمراه‌کننده و فاسد غربی غلبه پیدا کند، آن روز تحقق پیدا خواهد کرد؛ مقدمه‌اش اینجا است؛ مقدمه‌اش این است که ما ملت ایران بتوانیم به سمت الگو شدن پیش برویم. خوب، همه باید همت کنند؛ هم مسئولین باید همت کنند، هم آحاد مردم باید همت کنند. این قضیه هم قضیه‌ی یک‌سال و دو سال نیست، قضیه‌ی بلندمدت است؛ زمان می‌برد؛ کمالینکه در تمدن اسلامی [اگر] شما نگاه کنید، می‌بینید اوج تمدن اسلامی در قرن‌های چهارم و پنجم است که از لحاظ علمی سرآمد است و بزرگان علما، محققین، فلاسفه، دانشمندان مادی در دنیای اسلام به وجود آمدند که دنیا را توانستند پیش ببرند که بسیاری از این پیشرفتهای امروز غربی‌ها مرهون آن حرکت است. خوب، امروز البته سرعت ما بیشتر خواهد بود، ما سریع‌تر ان‌شاءالله به آن نتیجه خواهیم رسید، لکن بالاخره زمان‌بر است.»

☑ سرفصل سوم: روش تمدن سازی

۱- متن بیانیه:

"پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار» پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد. از سویی نگاه امیدوارانه‌ی ملت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادی‌خواه جهان و برخی دولت‌های مایل به استقلال، و از سویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه‌ی رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج‌طلب عالم، بدان دوخته شد. بدین‌گونه مسیر جهان تغییر یافت و زلزله‌ی انقلاب، فرعون‌های در بسترِ راحت آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی‌ها با همه‌ی شدت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه‌ی این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده‌ی امام عظیم‌الشأن ما، تاب آوردن در برابر آن‌همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت، امکان‌پذیر نمیشد."

۲- اولاً این سؤال که تمدن نوین اسلامی تفصیلاً چگونه است؟ این سؤال اشتباهی است! ما برای حضور در عرصه تمدنی - که عملاً نه بودن در جهان امروز غرب است و نه بودن در گذشته و دیروز خودمان - نیاز به صبر داریم و حرکت. البته امروز تصور روشنی از آن نداریم برای اینکه آن آینده باید

خودش خود را بنمایاند، همانطور که ما اول انقلاب چیزهایی را شروع کردیم که نمیدانستیم در آینده، چگونه خود را مینمایاند ولی خودش خود را به کل عالم نشان داد.

۳- مسئله سرنوشت ساز در موقف فعلی داشتن طرح تفصیلی برای تمدن نیست، مسئله اساسی داشتن افق تمدنی است، راهبردی که بیانیه گام دوم با تمام وجود در تلاش برای ترسیم آن است. وقتی افق تمدنی باشد دورخیز مبارزه و جهاد نیز بین المللی و تاریخی می شود. بیانیه دارد انذار می دهد که اراده خود را مصروف آرمانی کمتر از تمدن اسلامی نکنید.

۴- مسئله اساسی دیگری که به لحاظ راهبردی بیانیه پیرامون تمدن سازی دارد مطرح می کند روش تمدن سازی است. برخی تلقی شان از تمدن سازی این است که یک طرح کامل و جامعی از تمدن اسلامی در کتابخانه ها و حتی دروس فقه حکومتی تدوین و طراحی بشود و بعد یکسری نهادهای تمدن ساز هم ایجاد بکنیم و این طرح ها را خیلی شیک بدهیم که آن نهاد ها اجرایش بکنند، بیانیه با تکیه بر عقلانیت مکتب امام این تلقی را کودکانه می داند و مسئله مبارزه تمدنی را مطرح می نماید.

۵- لذا راهکاری که بیانیه ارائه می دهد درگیری شانه به شانه با تمدن فعلی غربی است، اساساً در بستر همین مبارزه است که قدم به قدم هویت اسلامی معانی و جهت گیری های خودش را در چینش عناصر تمدنی جایگزین ارزش های غربی می کند.

۶- بیانیه شکل گیری انقلاب را از ابتدا در وسط همین میدان درگیری تمدنی می داند و دوگانه اسلام - استکبار ، شکل گیری دشمنی ها از سوی تمدن غرب و مقاومت ها از سوی انقلاب اسلامی را برجسته ترین پدیده عصر حاضر می داند. روندی که در ادامه مسیر راهبردی انقلاب هم ادامه خواهد یافت.

۷- در گام دوم آن چه که باید محقق شود تا در این کارزار تمدنی برای ما دست برتر بیافریند مسئله الگو درست کردن است. این که ایران بشود الگوی یک نظام پیشرفته. این الگو سازی است که در تقابل فعلی تمدنی ما را بالا می کشد.

۸- اصلاً مسئله امید آفرینی هم به عنوان فوری ترین جهاد در همین دستگاه دیده می شود. در درگیری و زورآزمایی ما با تمدن غرب در شرایط فعلی مأیوس نشدن از هیمنه حبایی این تمدن و امید داشتن به درهم شکستن آن است. لذا بیانیه می گوید اگر امید فراگیر شود اراده ملی برای ادامه روند پیروزی ها شکل می گیرد و ما وضعیتمان در این مبارزه تمدنی بشدت ارتقاء می یابد.

۹- توجه به این نکته بسیار مهم است که با این تصویر باید پذیرفت که اگر جنگ یک جنگ تمدنی است پس اقتضات خودش را هم دارد. وقتی مبارزه تمدنی شد هرچه که پیش می روی تمدن غرب با چینش پیچیده تر و سنگین تری با تو درگیری می شود از تو تلفات هم می گیرد جنس تلفات

هم هرچه پیش برویم متنوع تر می شود. برخی می خواهند جنگ باشد ولی تلفات نباشد، درگیری بدون تلفات دادن که نمی شود! چه برسد به این که جنگ تمدنی باشد پس بروز یکسری از ناملایمات و ناهنجاری های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی قطعی است.

۱۰- بسیار هم روشن است که مدل انقلاب اسلامی برای طی شدن روند این مبارزه تمدنی، مرزگشائی و کشور گشائی و تصرف سرزمین ها نیست؛ این به معنای تجاوز به حقوق ملت ها نیست؛ این حتی به معنای تحمیل اخلاق و فرهنگ خود بر دیگر ملت ها نیست؛ این به معنای عرضه کردن هدیه ی الهی به ملت ها است، تا ملت ها با اختیار خود، با انتخاب خود، با تشخیص خود راه درست را انتخاب کنند.

۱۱- دو عنصر لازم هم که از همین ابتدا در مسیر مبارزه برای ایجاد تمدن اسلامی لازم است یکی تولید فکر است و دیگری پرورش انسان هایی که مؤمن به این جهاد باشند. لذا برخلاف تلقی بسیاری پایه اصلی تمدن، نه بر صنعت و فناوری و تکنیک، که بر بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است، ما به همه وجوه تمدن برای درگیری با غرب نیاز جدی داریم ولی مبناء و خاستگاه ناموسی مسئله بینش و معرفت است. (تطبیق ش ۲۱)

✓ تطبیقات:

۲- «برای ایجاد یک تمدن اسلامی - مانند هر تمدن دیگر - دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان. فکر اسلامی مثل یک دریای عمیق است؛ یک اقیانوس است. هر کس که لب اقیانوس رفت، نمی تواند ادعا کند که اقیانوس را شناخته است. هر کس هم که نزدیک ساحل پیش رفت و یا چند متری در آب در یک نقطه ای فرو رفت، نمی تواند بگوید اقیانوس را شناخته است... شرط دوم، پرورش انسان است. حال در آن جایی که فکر و انسان باید تولید شود، ببینید نقش آفرینان چه کسانی هستند. این نقش آفرینان کسانی هستند که باید بتوانند افکار را هدایت کنند. این یک بُعد قضیه است.»^{۱۱}

۳- «ما در حال پیشرفت و سازندگی و در حال بنای یک تمدن هستیم. من این را می خواهم به شما بگویم: مسأله ما این نیست که زندگی خودمان را نجات دهیم و گلیم خودمان را از آب بکشیم. مسأله این است که ملت ایران - همچنان که شأن اوست - در حال پدید آوردن یک تمدن است. پایه اصلی تمدن، نه بر صنعت و فناوری و علم، که بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است. این است که همه چیز را برای یک ملت فراهم می کند و علم را هم

برای او به ارمغان می‌آورد. ما در این صراط و در این جهت هستیم. نه این که ما تصمیم بگیریم این کار را بکنیم؛ بلکه حرکت تاریخی ملت ایران در حال به وجود آوردن آن است.^{۱۲}

☑ سرفصل چهارم: آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی

۱- یکی از ابداعات راهبردی بیانیه در عقلانیت شیعه این است که دارد فریاد می زند که انتظار فرج، مبارزه برای تحقق تمدن نوین اسلامی است و تلاش برای ظهور، تلاش برای تشکیل تمدن اسلامی باید باشد.

۲- بر پای‌نگاه‌داشتن انقلاب اسلامی در قالب یک تمدن، پاسداری از امر قدسی در زمانه ماست و چون محقق شود، گشایش حضرت حق نیز در آن طلب می‌شود و این چیزی نیست جزء زمینه چینی و انتظار عملی برای ظهور انسان کامل.

☑ خلاصه بحث و نتیجه گیری:

در حال حاضر در مرحله دولت سازی قرار داریم، گام اولی که برداشته شده است ما را تا موقعیت تلاش برای تشکیل دولت انقلابی رسانده است و دقیقاً گام دوم تلاش برای تحقق کامل این هدف است. ایده اصلی در اسلامی شدن دولت، مینا قرار دادن نظریه مردم سالاری دینی و نظریه حاکمیت مردم است.

بیانیه می گوید، انقلاب اسلامی هدف خودش را کمتر از تمدن سازی در نظر نگرفته است اساساً اهداف و آرمان هایی که انقلاب اسلامی برای خود لیست کرده است جزء در قالب هویتی شبیه به یک تمدن امکان تحقق ندارد. مسئله سرنوشت ساز در موقف فعلی داشتن طرح تفصیلی برای تمدن نیست، مسئله اساسی داشتن افق تمدنی است، بیانیه تلویحاً دارد می گوید انتظار فرج، انتظار تحقق تمدن نوین اسلامی است.

☑ منابع بیشتر جهت استفاده ارائه دهنده و مخاطبین:

۱- کتاب رسالت گفتمان سازی مکتب امام خمینی (ره)؛ استاد محمد فلاح شیروانی

۲- مقاله انقلاب اسلامی جهانی در میان دو جهان؛ استاد اصغر طاهرزاده

۳- کتاب منطق مقاومت؛ خانه طلاب جوان قم

۴- کتاب مردم سالاری دینی از منظر آیت الله خامنه ای؛ مهدی سعیدی

جلسه چهارم

زمینه صدور بیانیه؛ آغاز دوران بلوغ و تصمیم

✓ پرسش های متن ساز:

- ۱- بیانیه در بستر چه عصری صادر شده است؟
- ۲- این که عصر فعلی را عصر امام خمینی (ره) بدانیم در تعامل ما با بیانیه چه تفاوتی ایجاد می کند؟
- ۳- تحلیل پایه بر تشبیت انقلاب اسلامی و افول آمریکا چه تأثیری در نوع نگاه ما به آینده دارد؟

✓ سرفصل اول: عصر امام خمینی (ره)

✓ جملات کلیدی:

۱- متن بیانیه:

" آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمیبرد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوبها را شکست؛ کهنگی کلیشهها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم واکنش نشان دهند، اما این واکنش ناکام ماند. چپ و راست مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونهگون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیکتر شدند. اکنون با گذشت چهل جشن سالانه انقلاب و چهل دهه فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار میدهند، دستوپنجه نرم میکند! و انقلاب اسلامی با حفظ و پایبندی به شعارهای خود همچنان به پیش میرود."

۲- بیانیه در چه زمانه ای صادر شده است؟ این یکی از مهمترین پرسشهایی است که باید به آن پرداخت. اگر این زاویه دید با زاویه دید رهبری هماهنگ نشود، در واقع دو تصویر متفاوت از

- واقعیت‌های عینی صحنه داخلی و بین‌المللی خواهیم داشت. هر کسی بر اساس تصویر خود از عینیت، حرکت و اقدام می‌کند. تصویری که در ذهن رهبری از زمینه‌ها و بسترهای تاریخی و واقعیت‌های جهانی شکل گرفته است، موجب صدور چنین بیانیه‌ای شده است.
- ۳- همان طور که خود بیانیه می‌گوید، دیدگاهش این است که دارد در زمانه‌ای صادر می‌شود که عصر امام خمینی (ره) است. عصری که دوران بیداری ملت‌ها و سربرآوردن ارزش‌های معنوی و الهی است. (تطبیق ش ۱)
- ۴- در واقع بیانیه گزارشی از یک دوران انتقال در سطح جهانی و تاریخی است. جهان امروز در دوران انتقال از یک عصر به عصر دیگری است، به تعبیر خود امام انتقال از عصر شیطان به عصر معنویت است، که این عصر جدید را باید عصر امام خمینی (ره) دانست. (تطبیق ش ۲)
- ۵- هیچ صدایی در قرن ۲۰، مثل صدای امام نتوانست جهان را دربنورد و را انقلابی رقم بزند که در برابر سکوت یکپارچه جهانی حرفی نو و طرحی نو ارائه کرده است. (تطبیق ش ۳)
- ۶- با این پیش‌فرض بیانیه گام دوم، یک دستورالعمل حرکتی برای جریانی است که بارِ رقم زدن یک عصر جدید را بر دوش دارد.

✓ تطبیقات:

- ۱- «ما معتقدیم که این دوران، دوران اسلام و دوران غلبه‌ی ارزشهای الهی و معنوی است، و همان‌طوری که سال گذشته عرض کردم، این دوران، دوران امام خمینی است و این شاء الله نسلهای جوان ما این آینده را خواهند دید.»^{۱۳}
- ۲- «من امروز مایلیم یک نکته را در باب انقلابمان و در باب تأثیر عمل این عبد صالح خدا، به ملت ایران و به ملت‌های مسلمان عالم و به همه‌ی کسانی که در سطح جهان، نامی از انقلاب ما و از امام خمینی بزرگ ما شنیده‌اند، بگویم. این، مبنا و قاعده‌ی حرکت ماست. بر اساس همین بینش، ما زندگی و مبارزه و حرکت می‌کنیم. آن جمله این است که با انقلاب اسلامی در ایران و با تشکیل نظام اسلامی در این نقطه‌ی از عالم و با مبارزات طولانی‌یی که ملت ما پشت سر رهبر عظیم‌الشأنش، برای حفاظت از انقلاب و اسلام انجام داد، عصر جدیدی با خصوصیات متمایز با دوران قبل، در عالم به وجود آمد. قدرتهای مادی دنیا، چه بخواهند و چه نخواهند؛ امریکا چه بخواهد و چه نخواهد، این دوران در دنیا آغاز شده و پیش هم رفته است و تأثیرات این عصر جدید، روی ملت‌ها و دولت‌های ضعیف و نیز روی دولت‌های قوی و ابرقدرت‌ها محسوس است.

وقتی عصر جدیدی در تاریخ بشر آغاز می‌شود، هیچ‌کس نمی‌تواند خود را از تأثیرات آن عصر برکنار بدارد. دوران گذشته‌ی تاریخ بشر هم همین‌طور بوده است. هیچ‌کس ممکن نیست خودش را از تأثیرات دورانی که با پایه‌های محکم الهی و انسانی در جهان شروع شده، دور بدارد. ما می‌خواهیم این را اعلام بکنیم. اگرچه بسیاری از ملتها و دولت‌های سطح زمین، تحت تأثیر این عصر جدید قرار گرفتند، حتی نقشه‌ی سیاسی دنیا عوض شده است، اما توقع نداریم که تحلیل‌گران و قضاوت‌کنندگان قدرتمند و سیاسی عالم اقرار کنند که این عصر آغاز شده است. آن‌ها اعتراف نمی‌کنند که دوران جدیدی آغاز شده است؛ اما تحت تأثیر این دوران قرار گرفته‌اند و آن را احساس می‌کنند. این عصر و این دوران جدید را باید «دوران امام خمینی» نامید.^{۱۴}

۳- «امام کبیر ما عصر جدیدی را آغاز کرد، و امروز که دلها و جانها مان لبالب از حسرت فقدان آن عزیز بی‌همتای امت اسلامی است، بزرگترین وظیفه‌ی ما این است که مشخصات عصری را که امام(ره) آغاز کردند و ملت را در فضای آن قرار دادند و به جهان اعلام فرمودند، بدانیم و این مشخصه‌ها را حفظ کنیم. عزاداری واقعی وقتی است که ما به این فریضه عمل کنیم. عصری که امام بزرگ و عظیم‌الشأن ما آغاز کردند، مشخصه‌هایی دارد که عمده‌ی آنها عبارت است از: ایجاد روح عزت و استقلال و استغنا و اعتماد به نفس برای ملتی که در طول سالیان متمادی سعی شده بود این روحیات از او گرفته شود و دیگران بر سرنوشت او تسلط پیدا کنند.»^{۱۵}

☑ سرفصل دوم: تثبیت انقلاب اسلامی

۱- متن بیانیه:

"انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطبهای جدید قدرت، تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار» پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد. از سویی نگاه امیدوارانه‌ی ملت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادی‌خواه جهان و برخی دولت‌های مایل به استقلال، و از سویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه‌ی رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج‌طلب عالم، بدان دوخته شد. بدین‌گونه مسیر جهان تغییر یافت و زلزله‌ی انقلاب، فرعون‌های در بسترِ راحت آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی‌ها با همه‌ی شدت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه‌ی این ملت و رهبری آسمانی و

^{۱۴} بیانات در اولین سالگرد ارتحال امام ۱۴/۰۳/۱۳۶۹

^{۱۵} بیانات در مراسم بیعت نیروهای ژاندارمری و شهربانی و سازمان پلیس قضایی ۲۸/۰۳/۱۳۶۸

تأییدشده‌ی امام عظیم‌الشان ما، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت، امکان‌پذیر نمیشد.

به‌رغم همه‌ی این مشکلات طاقت‌فرسا، جمهوری اسلامی روزبه‌روز گامهای بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفتهای شگفت‌آور در ایران اسلامی است. عظمت پیشرفتهای چهل‌ساله‌ی ملت ایران آنگاه بدرستی دیده میشود که این مدت، با مدتهای مشابه در انقلابهای بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود. مدیریتهای جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما میتوانیم» که امام بزرگوار به همه‌ی ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه‌ی عرصه‌ها رسانید."

۲- یکی از دلالت‌های قطعی بیانیه این است که انقلاب به عنوان یک پدیده اجتماعی کاملاً تثبیت شده است و مردم ایران آن را به مثابه تاروپود هویتی خود درآورده‌اند. بیانیه این گزاره را از پیش فرض‌های قطعی خود برای ترسیم مسیر آینده می‌داند.

۳- لذا یکی از مؤلفه‌هایی که ظرف صدور بیانیه را تشکیل می‌دهد؛ مسئله تثبیت اجتماعی انقلاب است و شاخص آن هم این است که بدنه‌ی اجتماعی به صورت جدی و دائمی با انقلاب همراه است. به تعبیری مردم اعراض از اصل انقلاب ندارند، داشتن این نگاه، خیلی تفاوت ایجاد میکند. مثلاً یک وقت شما در مورد خداوند متعال شبهه دارید، می‌خواهند شما را در زندگی زناشویی راهنمایی بکنند، یک موقع هست که در مورد خدا و امدادهای الهی شبهه‌ای ندارید، حالا میخواهند راهنماییتان بکنند، خیلی فرق میکند. همین‌طور میبینید در توصیه‌هایش آن را مراعات میکند یا روی آن دارد کار می‌کند و سعی می‌کند باور طرف را ارتقا بدهد.

۴- این نکته‌ی خیلی مهمی است و جزء باورهای حضرت آقا است، اخیراً هم می‌بینید که خیلی درگیر با بزرگان جامعه می‌شود، می‌گوید شما مدام احساس می‌کنید، مردم با انقلاب نیستند، اشتباه می‌کنید، نظام محاسباتی‌تان به هم ریخته است. شما مدام احساس می‌کنید مردم نیستند بعد می‌گویید روی مردم که نمی‌شود حساب کرد، روی پول و زور و کمک‌های خارجی حساب کنیم! حضرت آقا می‌گوید اینطور نیست، از شعارهای اصیل انقلاب دست نکشید، مردم با چنین تلقی‌ای مشکلی ندارند.

۵- بدنه اجتماعی با انقلاب همراه است و بیانیه خطاب به کسانی است که با مفاد این بیانیه مشکلی ندارند و الا بیانیه اگر بنا بود گفتمان خودش را حفظ کند، به صورت دیگری نگاشته می‌شد.

۶- یکی دیگر از دلالت‌های بیانیه در این است که در بستر تثبیت انقلاب دارد حرف می‌زند مسئله تفاوت سطح درگیری‌ها و چالش‌هایش با نظام سلطه است. بیانیه می‌گوید ایران در ابتدای راه انقلاب

چالشش با غرب بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه‌ی جاسوسی بود، اما امروز چالشش بر سر حضور ایران در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ آمریکا از منطقه‌ی غرب آسیا و دفاع از پرچم برافراشته‌ی حزب‌الله و مقاومت در سراسر منطقه است.

☑ سرفصل سوم: افول آمریکا و غرب

- ۱- یکی دیگر از زمینه‌های صدور بیانیه این است که آمریکا به عنوان نماد قدرت نرم و سخت تمدن غرب در مسیر افول و نزدیکی‌های دوران احتضار خود قرار گرفته است. (تطبیق ۱ تا ۵)
- ۲- در یک نگاه کلی به اوضاع غرب؛ مناسبات و معاهدات بین‌المللی بازتعریف می‌شوند؛ ادبیات سیاسی در حال تغییر است؛ کشورهای رقیب و گاه متخاصم در تشکلهای جدید به یکدیگر می‌پیوندند و دولت‌های متحد از ائتلاف با یکدیگر خارج می‌شوند.
- ۳- در این میان آمریکا شرایط خاصی دارد. واشنگتن از بسیاری معاهدات بین‌المللی یکی پس از دیگری خارج می‌شود؛ اصول اقتصاد لیبرال و تجارت آزاد را که ده‌ها سال مروج آن بوده، آشکارا نقض می‌کند؛ خود را به هیچ پیمانی وفادار نمی‌داند؛ متحدان سنتی خود را می‌آزارد و تهدید می‌کند که از پیمان‌های محدودکننده‌ی سلاح‌های هسته‌ای و پیمان‌های استراتژیک خارج خواهد شد. سیاستمداران کاخ سفید متفاوت عمل می‌کنند؛ سراسیمه به نظر می‌رسند؛ شتاب‌زده کار می‌کنند؛ از ثبات فکری کمتری برخوردارند؛ مدام تغییر روش می‌دهند؛ گویی بیمناک هستند. اما چه رویدادی آن‌ها را نگران کرده است؟
- ۴- "امانوئل والرشتاین" جامعه‌شناس شهیر آمریکایی و ارائه‌دهنده‌ی نظریه‌ی «نظام جهانی» به‌صراحت تأکید می‌کند که آمریکا در مسیر سقوط قرار گرفته و افول این کشور امری حتمی و اجتناب‌ناپذیر است. به‌گفته‌ی این جامعه‌شناس، «از زمان جنگ ویتنام تا حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، از سرعت روند و توسعه‌ی اقتصادی آمریکا کاسته شده و این کشور، درخشش ایدئولوژیک خود را از دست داده است.
- ۵- والرشتاین می‌گوید: تفوق آمریکا فقط به برتری نظامی خلاصه می‌شود؛ و این، حکایت از آن دارد که ابرقدرت در حال افول است.» وی می‌افزاید: «شاید در آمریکا جمعیت کسانی که فکر می‌کنند این کشور در سراسیمه‌ی سقوط قرار گرفته زیاد نباشند، ولی تندرهای این کشور بهتر و بیشتر از دیگران می‌دانند که آمریکا در حال سقوط است و به همین دلیل تلاش می‌کنند با تمام وجود مانع از آن شوند.

✓ تطبیقات:

۱- « بسیاری از جامعه‌شناسان معتبر دنیا معتقدند که «قدرت نرم» آمریکا فرسوده شده است، در حال از بین رفتن است. قدرت نرم این است که یک دولتی بتواند خواسته‌ی خود و نظر خود و عقیده‌ی خود را به اطراف بقبولاند و آنها را اقناع کند به نظر خود؛ این قدرت در آمریکا امروز رو به ضعف کامل و رو به فرسودگی کامل است.

۲- لیبرال‌دموکراسی‌ای که امروز در غرب رایج است، خود آنها را بیچاره کرده؛ شکافهای اجتماعی، نبود عدالت اجتماعی، نابود شدن خانواده، فساد اخلاقی فراگیر و همه‌گیر، فردگرایی‌های افراطی و شدید؛ خود آنها بیچاره شده‌اند.

۳- قدرت سخت آمریکا هم بشدت ضربه دیده. قدرت سخت، یعنی قدرت نظامی‌گری. ابزار نظامی دارند، اما نیروی انسانی نظامی آمریکا بشدت افسرده، سردرگم، سرگشته، مردد است. برای همین است که در بسیاری از کشورهایی که آنها حضور دارند، برای اینکه بتوانند مقاصد خودشان را پیش ببرند، از سازمانهای جنایت‌کاری مثل بلک‌واتر و از این قبیل استفاده میکنند؛ یعنی سرباز آمریکایی قادر به اجرای آن نقشه‌ی آمریکایی نیست.

۴- اقتصادشان هم همین‌جور. آمریکا امروز پانزده تریلیون دلار بدهکار است؛ رقم، رقمی افسانه‌ای است؛ پانزده تریلیون دلار بدهکاری آمریکا است! قریب به هشتصد میلیارد دلار کسر بودجه‌ی آمریکا است در همین سال جاری؛ یعنی اینها در واقع عقب‌ماندگی‌های اقتصادی است. حالا با زرق‌وبرق، با شعار، با حرفهای گوناگون، با ظاهرسازی‌ها روی اینها را میپوشانند اما واقعیت‌های آمریکا این است؛ این قدرت سخت آمریکا است.

۵- بنابراین آمریکا رو به افول است؛ این را همه بدانند. آن کسانی هم که به پشتیبانی آمریکا حاضرند مسئله‌ی فلسطین را در این منطقه بکلی فراموش کنند، بدانند آمریکا رو به افول است. آن که زنده است، ملت‌های منطقه‌اند؛ آن چیزی که زنده است، حقایقی است که در این منطقه وجود دارد. آمریکا در منطقه‌ی خودش هم رو به افول است، چه برسد در اینجا!»^{۱۶}

۶- «با تصویرسازی غلط سعی میکنند افکار ملت ایران را منحرف کنند؛ هم تصویر غلط درباره‌ی ایران، هم تصویر غلط درباره‌ی خودشان، هم تصویر غلط درباره‌ی اوضاع منطقه. یکی از تصویرهای غلط آنها این است که وانمود میکنند در موضع قدرتند، درحالی‌که در موضع قدرت نیستند. بله، قدرت سخت‌افزاری آنها یک قدرت قابل نشان دادن است؛ یعنی پول دارند، ابزار نظامی دارند، امکانات رسانه‌ای دارند؛ اینها ابزارهای قدرت است، منتها در مقابله‌ی جهانی، حرف اول را قدرت نرم‌افزاری میزند؛ قدرت نرم‌افزاری یعنی منطق، یعنی استدلال، یعنی حرف نو؛ حرف نوبی که تعیین‌کننده‌ی زندگی باشد؛ سخن نو به میان آوردن. اینها حرف نو ندارند، منطق ندارند. در قدرت نرم‌افزاری،

آمریکا بشدت ضعیف است؛ حرفش زورگویی است، منطقش ضعیف است، لیبرال دموکراسی اش امروز در دنیا مفتضح است - رفتار و شیوه‌های اعمال لیبرال دموکراسی که به آن افتخار میکردند، امروز در دنیا به صورت مفتضح مورد انتقاد صاحب نظران دنیا است - برای همین هم هست، به خاطر همین هم هست که شما ملاحظه میکنید آمریکای دارای قدرت اتمی، دارای تکنولوژی پیشرفته، دارای پول فراوان، در بسیاری از مناطق عالم شکست خورده است؛ در عراق شکست خورد، در سوریه شکست خورد، در لبنان شکست خورد، در پاکستان شکست خورد، در افغانستان شکست خورد، در مواجهه‌ی با قدرتهای دنیا شکست خورده است و میخورد و امروز شکستهای دیگری هم آن طوری که انسان مشاهده میکند در انتظار آمریکا است. این تصویرسازی آنها از خودشان است که یک تصویرسازی غلط و دروغین است.»^{۱۷}

☑ سرفصل چهارم: آغاز دوران بلوغ و تصمیم

✓ جملات کلیدی:

- ۱- بیانیه‌ی وقتی به نام «بیانیه‌ی گام دوم» معروف شده است. معلوم است که ما زمان های جدیدی در اختیار داریم و بر عمر خود و نظام اسلامی خواهیم افزود اما به نظر می‌رسد مسأله قدری خاص تر است. سؤالی که جای طرح و تأمل دارد این است که آیا از نظر رهبری انقلاب دارد وارد فصلی جدید با احکامی تازه می‌شود؟
- ۲- فصل جدید احتمالاً به معنای تغییراتی در اموراتی راهبردی است. اگر فصل جدیدی در پیش باشد ممکن است در آن سخن از مأموریت جدیدی به میان بیاید. طبعاً فصل جدید احکام تازه‌ای خواهد داشت و چه بسا روشهای کاری کمی یا زیاد تغییر کند.
- ۳- رهبری در متن همین بیانیه عباراتی دارند که نشان می‌دهد گویا از نظر ایشان داریم وارد دوران جدیدی می‌شویم:
«درودی از اعماق دل بر این ملت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوم می‌شود.»
«اینک در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی، این بنده ناچیز مایلم با جوانان عزیزم، نسلی که پا به میدان عمل می‌گذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند، سخن بگویم.»
«انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار به شدت تحقیر شده و به شدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام

نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر ارادهٔ ملی را که جان‌مایهٔ پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصهٔ مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما می‌توانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد.»

«جوانان عزیز! اینها بخشی محدود از سرفصل‌های عمده در سرگذشت چهل‌سالهٔ انقلاب اسلامی است، انقلاب عظیم و پایدار و درخشانی که شما به توفیق الهی باید گام بزرگ دوم را در پیش‌برد آن بردارید.»

۴- به نظر می‌رسد چیزی که ایشان احساس می‌کنند این است که، مردمی که چهل سال انقلاب خود را به دوش کشیده‌اند و در دل نظام مردم‌سالار واقعی‌ای که پدید آورده‌اند با سختیهای فراوانی دست و پنجه نرم کرده‌اند و اکنون به طور طبیعی یک نسل جوان‌تر دارد. سکان انقلاب را به دست می‌گیرد باید بار دیگر به این زمینه و همهٔ امور مهم حیات خویش بیاندیشند و مسیر آینده را به صورت جدی انتخاب کنند.

۵- اما این که چه اموری باعث می‌شود که شرایط جدیدی پدید آمده باشد؟! یکی مسئله وضعیت دشمنی هاست. به نظر می‌رسد فشار کنونی آخرین حدّ از دشمنی هاست، رهبر انقلاب در مورد کیفیت تحریم‌ها می‌فرمودند که این آخرین حربهٔ دشمن است و انسان عاقل آخرین حربه را از دست دشمن خارج می‌کند.

۶- آخرین حربهٔ دشمن یعنی سالهای تخاصم به نقطهٔ حساسی رسیده است و وقتی که دشمن فروغش را از دست بدهد ما مسلماً وارد مقطع جدیدی از حیات بین‌المللی خود می‌شویم و همه در شرایطی است که ما به این موقف نزدیکیم.

۷- همچنین امروز برای همه روشن است که مقاومت نتیجه داده است و نظام سلطه از منطقه عقب رانده شده و هیمنه‌اش شکسته است و این تحول تا کنون این میزان بارز و موفق نبوده است و این اقتدار وضع جدیدی را رقم زده است.

☑ خلاصه بحث و نتیجه‌گیری:

بیانیه گزارشی از یک دوران انتقال در سطح جهانی و تاریخی است. جهان امروز در دوران انتقال از عصر حاکمیت شیطان به عصر معنویت است، که این عصر جدید را باید عصر امام خمینی (ره) دانست. بیانیه گام دوم، مانی فستی از روند حرکتی جریانی است که بارِ رقم زدن یک عصر جدید را بر دوش دارد. بیانیه در ظرفی صادر شده است که بدنه اجتماعی با انقلاب همراه است و بیانیه خطاب به کسانی است

که با مفاد این بیانیه مشکلی ندارند و الا بیانیه اگر بنا بود گفتمان خودش را حفظ کند، به صورت دیگری نگاشته می شد.

یکی دیگر از زمینه های صدور بیانیه این است که آمریکا به عنوان نماد قدرت نرم و سخت تمدن غرب در مسیر افول و نزدیکی های دوران احتضار خود قرار گرفته است. مردمی که چهل سال انقلاب خود را به دوش کشیده اند ، اکنون به طور طبیعی یک نسل جوان تر دارد. ساکنان انقلاب را به دست می گیرد باید بار دیگر به این زمینه و همه امور مهم حیات خویش بیاندیشند و مسیر آینده را به صورت جدی انتخاب کنند.

☑ منابع بیشتر جهت استفاده ارائه دهنده و مخاطبین:

- ۱- کتاب عصر امام خمینی (ره)؛ حجه الاسلام میراحمدرضا حاجتی
- ۲- بیانات مقام معظم رهبری در اولین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۴/۰۳/۱۳۶۹
- ۳- مقاله افول آمریکا و انتقال قدرت از غرب به شرق؛ محمدرضا عرفانیان

جلسه پنجم

عقلانیت بیانیه؛ مکتب امام خمینی (ره)

✓ پرسش های متن ساز:

- ۴- گفتمان و عقلانیت حاکم بر بیانیه چیست؟
- ۵- چرا ثابت بودن مفاهیم کلیدی انقلاب در تمامی مانی فست هایش مزیت نسبی آن است؟
- ۶- این ایراد که بیانیه نسبت به سایر خطابات انقلاب حرف جدیدی نداشته است، چقدر وارد است؟
- ۷- چگونه انحراف از نظام محاسبه مبتنی بر مکتب امام سبب بدبینی به تحلیل ها و توصیه های بیانیه می شود؟
- ۸- تطبیقات تحلیل های بیانیه بر شاخص های کلیدی نظام محاسبه مکتب امام چیست؟
- ۹- نمودهای عقلانیت در این بیانیه چگونه است؟

✓ سرفصل اول: عقلانیت بیانیه

✓ جملات کلیدی:

۷- متن بیانیه:

"برای همه چیز میتوان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی مصرف و بی فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره ای بدرخشد و در دوره ای دیگر افول کند. هرگز نمیتوان مردمی را تصور کرد که از این چشم اندازهای مبارک دل زده شوند. هرگاه دل زدگی پیش آمده، از روی گردانی مسئولان از این ارزشهای دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها."

۸- برخی از افرادی که بیانیه را خوانده اند احساسشان این بود که بیانیه حرف جدیدی ندارد و تکرار همان گزاره هایی است که دائماً بیان می شود. در همان تراز همیشگی صحبت های حضرت آقا.

۹- یک برداشت اولیه هم همین هست که حرف ویرایش شده نیست و تمام آن سال هاست که در گوش مردم هست اما مسئله کلیدی این است که این برداشت نوعی تنقیص و بی خاصیت انگاری بیانیه است و یا در نقطه مقابل اساساً مزیت آن است؟!

۱۰- این که یک گفتمان ۵۰، ۶۰ سال است حفظ شده است و خشت به خشت آن در پیش چشم مردم است، باید مسئله ناموسی باشد. این مسئله کمی شبیه به معجزه است که در زمانه ای که درگیری فکری تمام عیاری با نظام سلطه وجود دارد توانسته ایم نظام اعتقادات انقلاب را همچنان با همان آهنگ حفظ کنیم.

۱۱- انقلابی که در برابرش یک نظام معرفتی هست که تمام آموزه هایش را رد تمام دانشگاه های دنیا تدریس می کنند، در ایران خودمان هم تدریس می کنند و تا همین امروز تدریس می شود. یعنی اندیشه هایی که پشتیبان زندگی روزمره بشر است. اندیشه هایی که صدها هزار کارشناس در دنیا تربیت کرده است و تمدنی را برپایه خود بنا کرده است در این وسط ما جنگ عقیده راه انداختیم و ثبات خود را حفظ نموده ایم.

۱۲- گفتمان انقلاب عوض نشده است این مسئله به شدت دشمن را هم به هراس انداخته است. وارد دهه پنجم شده ایم ولی حرفه‌امان تغییری نکرده است. اتفاقاً خود رهبری در ابتدا بیانیه تصریح می کنند که ما حرفه‌های کلیدی مان عوض نشده است، ما هنوز به آرمان ها و ارزش ها و مفاهیممان خیانت نکرده ایم.

۱۳- حرف ها عوض نشده است ولی ملال آور نیست و تازگی های خودش را دارد این مسئله ریشه در فطری بودن و زایا بودن گفتمان انقلاب دارد، گفتمانی که مبتنی بر عقلانیت مکتب امام پی ریزی شده است لذا این گفتمان، تاریخ شمول و جهان شمول است.

۱۴- در عقلانیت این بیانیه هم نظام اندیشه مکتب امام و هم نظام محاسبه آن موج می زند.

☑ سرفصل دوم: جوهره اندیشه ی بیانیه

۷- متن بیانیه:

"آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود."

۸- انقلاب اسلامی به تعبیر آقا حرف نویی داشت و این حرف نو هم توحید بود و به اقتضای توحید، انقلاب حرفش این بود که باید دین، مهندسی دنیا را بر عده بگیرد و منشأ درگیرها و خصومت‌های کور نظام سلطه و ستمگران عالم هم دقیقش اینجا است. نه اینکه یک جایی پا روی دم آنها گذاشتیم، نه، پا روی حلق آنها گذاشتیم، یعنی آن شیشه‌ی عمر آن‌ها اینجاست.

۹- این دیدگاه همواره یک جریان مخالف در ایران داشته است، که بیشتر به عنوان جریان لیبرال ما این را می‌شناسیم. افراد زیادی را هم تربیت کرده است و دارد تربیت می‌کند، در بسیاری از دولت‌های پس از انقلاب هم کارشناس‌های همین جریان دارند امور برنامه‌ریزی کشور را پیش می‌برند.

۱۰- مهندسی دنیا توسط دین تقریباً تمام حرف امام در یک جمله است و همانی است که به عنوان جوهره مکتب امام از آن یاد می‌شود.

۱۱- مکتب سیاسی اجتماعی امام دارد مفهوم به مفهوم و موضوع به موضوع، نسبت میان دین و دنیا را بیان می‌کند. سراغ هر مسئله‌ای در مکتب امام برویم گویای زاویه‌ای از نحوه ارتباط محتوای دین با نیازمندی‌های انسان و جامعه در عالم طبیعت است.

۱۲- دنیا میدان اساسی وظیفه و مسئولیت و رسالت دین است. دین آمده است تا در این صحنه‌ی عظیم و در این عرصه‌ی متنوع، به مجموعه‌ی تلاش انسان شکل و جهت بدهد و آن را هدایت کند.

۱۳- دین و دنیا در این تعبیر و به این معنای از دنیا، از یکدیگر تفکیک ناپذیرند. دین نمی‌تواند غیر از دنیا عرصه‌ی دیگری برای ادای رسالت خود پیدا کند. دنیا هم بدون مهندسی دین و بدون دست خلاق و سازنده‌ی دین، دنیایی خواهد بود تهی از معنویت، تهی از حقیقت، تهی از محبت و تهی از روح.

۱۴- دوگانه اسلام آمریکایی و اسلام ناب دقیقاً بر سر مسئله نسبت دین و دنیا سر بر می‌آورد. اسلامی که داعیه تطبیق دین و دنیاست اسلام ناب محمدی است و اسلامی که یا به سمت دنیا منکر این نسبت است و یا به سمت دین، همچون دو لبه قیچی برای از بین بردن اسلام ناب هستند. توافق قطعی این دو جریان بر تقسیم دین و دنیا بین خود و مقابله و مقاتله جدی با اسلام ناب است.

۱۵- بیانیه ضمن تأکید بر جوهره عقلانیت خود و در هم تنیدن دین و دنیا، می‌آید و در تمامی توصیه‌های خود مفاهیم کلیدی دیگر نظام اندیشه مکتب امام را مبنای ترسیم حرکت آینده خود قرار می‌دهد. در واقع این مفاهیم به مثابه حکمت عملی این بیانیه سر می‌رسند.

✓ تطبیقات:

- ۱- «جوهر اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، رابطه‌ی دین و دنیاست؛ یعنی همان چیزی که از آن به مسئله‌ی دین و سیاست و دین و زندگی هم تعبیر میکنند. امام در بیان ارتباط دین و دنیا، نظر اسلام و سخن اسلام را به عنوان مبنا و روح و اساس کار خود قرار داده بود.»
- ۲- «لذا دین و دنیا در منطق امام بزرگوار ما مکمل و آمیخته و درهم تنیده‌ی با یکدیگر است و قابل تفکیک نیست. این، درست همان نقطه‌ای است که از آغاز حرکت امام تا امروز، بیشترین مقاومت و خصومت و عناد را از سوی دنیاداران و مستکبران برانگیخته است؛ کسانی که زندگی و حکومت و تلاش و ثروت آنها مبتنی بر حذف دین و اخلاق و معنویت از جامعه است»

☑ سرفصل سوم: دستگاه محاسباتی بیانیه

- ۱- برخلاف دسته‌ای از فعالان و اثرگذاران جریان انقلاب که در عمق نگاهشان یأس و ناامیدی نسبت به آینده ایران و انقلاب دیده می‌شود این بیانیه سراسر امید است. ریشه این اختلاف راهبردی در کجاست؟!
- ۲- بی‌شک ریشه اصلی این مسئله در نوع برداشتی است که از عینیت و واقعیات برای ما حاصل می‌شود. اگر اصول و قواعدی که از آن‌ها برای تحلیل رویدادها بهره می‌گیریم مریض و تاریک باشد طبعاً تحلیل‌های ما هم مریض خواهد بود و این اهمیت مسئله نظام محاسباتی را می‌رساند.
- ۳- اهمیت نظام محاسبه از آن جهت است که به شدت بر روی اراده و عزم مؤثر است و در صورتی که انسان تمام لوازم یک رفتار و واکنش را داشته باشد ولی دستگاه محاسباتی او به خطا برود رفتار متناسب با اهداف و رویکردها از او صادر نخواهد شد و این مسئله می‌تواند برای یک جامعه بسیار خطرناک باشد.
- ۴- نظام محاسبه این بیانیه به نحو شگرفی کاملاً منطبق بر نظام محاسبه مکتب امام است و البته انتظاری هم غیر از این نمی‌رود.
- ۵- اولاً این که بیانیه با گام گام دیدن حرکت انقلاب، توجه به اقتضائات هر مرحله از آن و برشمردن توصیه‌های ناظر به گام دوم آن مشخص می‌نماید که نگاهش به نهضت یک نگاه فرآیندی است.
- ۶- نهضت اسلامی پدیده‌ای از جنس حرکت است این حرکت فرایند رشد مخصوص به خود را دارد و همانند هر حرکت دیگری فرازها و فرودهای فراوانی را تجربه می‌کند. اگر کسی این حرکت را به درستی درک نکنند و همواره عکس کنونی نهضت اسلامی نگاه کنند یک تصویر ثابت خواهد دید که اولاً با آرمان مورد ادعای نهضت فاصله دارد و ثانیاً ممکن است تصویری که او از نهضت می‌

گیرد تصویر نقاط عطف و پیچیده نهضت باشد لذا اولین خطا در محاسبه ناشی از حرکت ندیدن نهضت است.

۷- ثانیاً این که بیانیه مؤمن به سنت های الهی است هم در امیدش به آینده و دست قدرت و وعده الهی و هم در بدبینی اش به طاغوت و محتضر دیدن آن. توضیح و تبیین این سنت ها برای امیدواری هوشمندانه و برنامه ریزی منطبق بر واقعیات هستی بسیار ضروری است. سنت های فطرت، امداد، نصرت، تغییر جامعه، حفظ دین خدا، غلبه نهایی حق بر باطل از جمله سنت های جاری در هستی است که در این تحلیل های این بیانیه موج می زند.

۸- از منظر عقلانیت مکتب امام یکی از خطاهای محاسباتی این است که انسان در چهارچوب عوامل محسوس و صرفاً مادی محدود بماند؛ یعنی عوامل معنوی را، سنت های الهی را، سنت هایی که خدا از آنها خبر داده است، آن چیزهایی را که با چشم دیده نمیشود، ندیده بگیرد.

۹- ثالثاً بیانیه به مردم و حرکت آن ها و وفاداری آن ها به راهی که طی کرده اند و راهی که در پیش رو دارند ایمان وافر دارد و با مخاطب قرار دادن همه آن ها بار ادامه مسیر را هم خالصانه بر روی دوش آن ها قرار می دهد.

۱۰- اعتماد به مردم نیز خود یکی از منشاء های تفاوت عقلانیت امام با سایر مصلحین دینی بوده است. کسی که در روزهای سختی و گرفتاری به توده ها ایمان دارد با کسی که مردم را همواره گروهی بی جهت میداند که در هنگامه سختی رهبران را رها کرده اند در محاسبات اجتماعی با یکدیگر تفاوت های زیادی دارند.

۱۱- رابعاً بیانیه ملاک اصلی در تثبیت قیام مردم و علت اصلی پیروزی های انقلاب و شکست های مکرر دشمن را در نوع نسبت توده های مردم با اصل انقلاب می بیند، بیانیه نگاه خود را به ناکارآمدی ها ظاهری و سروصداهای بوق های مروج فروپاشی نمی سپارد بلکه غیورانه سرود پیروزی، موفقیت و امید می خواند و این رفتار خود را نیز در پایمردی مردم به انقلاب مستند می کند.

۱۲- مکانیزم پیروزی نهضت از درگاه عاقله مکتب امام دقیقاً همین است که مردم پای نهضت به ایستند و از آن دفاع کنند و مستضعفان و محرومان امیدوارانه پا به پای نهضت رهبری آن را به عهده بگیرند و از ناامیدی و غفلت و فریب خوردن مصون بمانند. اگر این اتفاق رقم بخورد ما معتقدیم یاری خدای متعال خواهد رسید و بر همه نیروهای شیطانی و استکباری غلبه پیدا خواهد کرد.

✓ تطبیقات:

۱- «سنت خدا یعنی قوانین الهی؛ قوانینی وجود دارد در عالم وجود، در سرتاسر این کون عظیم. این قوانین مثل قوانین طبیعی، مثل قانون جاذبه، مثل قانون ستارگان و خورشید و ماه و آمد و رفت ماه و خورشید در شبانه‌روز، اینها قانون است؛ قانون طبیعی است. همین‌جور قوانینی در جوامع انسانی وجود دارد، این قوانین را اهل ماده با چشمهای کم‌سو نمیتوانند درک بکنند اما وجود دارد. خب، وقتی که ما زمینه‌ی این قوانین را به دست خودمان فراهم کردیم، خدای متعال قانون را محکم میکند. آتش سوزندگی دارد، باید شما زمینه را فراهم بکنید، آتش را روشن کنید، جسم غیر مرطوب را روی آتش بگیرید، آتش خواهد گرفت؛ زمینه را فراهم بکنید، قانون طبیعی کار خودش را خواهد کرد. باید زمینه را فراهم کرد؛ ملت ایران این زمینه را فراهم کرد.»

☑ سرفصل چهارم: رهیافت های کلی از عقلانیت بیانیه

- ۱- برخی نمودهای دیگر از عقلانیت موجود در این بیانیه عبارتند از:
- ۲- نقد پذیری: انتظار انفعال و تجدیدنظر در مبانی‌ای که گنشگر خردمند طبق آن عمل می‌کند، واقع‌بینانه نیست اما انعطاف برای رسیدن به هدفها انتظار معقولی است که واقع‌بینی آن را تأیید می‌کند. پس باید با «حساسیت مثبت» به استقبال نقد رفت و آماده‌ی اصلاح بود اما «مرجع نقد» اگر گم شود، موجود زنده و بالنده سر از بیراهه در خواهد آورد. بر این پایه، هرگونه توصیه‌ی ولو دلسوزانه برای انصراف از الگوی «نظریه و نظام انقلابی» در واقع ارتجاع است، نه تصحیح؛ بازگشت است، نه پیشرفت.
- ۳- روشنفکری: جمهوری اسلامی به‌عنوان یک گنشگر خردمند، پایه‌های حاکمیت خود را بر توسعه‌ی روشنفکری و عقلانیت عمومی بنا کرده است. این امر، جلوه‌های گوناگونی دارد؛ از جمله ارتقاء سطح ادراک و تحلیل جامعه از مسائل سیاسی داخلی و خارجی. در واقع آن نگرش انتقادی ارزشمند که در جهان فکری مدرن همواره به‌عنوان جریان حاشیه و عزلت‌نشین نسبت به جریان اصلی هوادار غرب‌محوری و سلطه‌گری بوده، در ایران پس از انقلاب به‌مثابه جریان اصلی و عمومی درآمد است. البته توسعه و تعمیق جریان روشنفکری که نوعی عقلانیت انتقادی را تجویز می‌کند، در نگاه به خود نیز جاری است که برای نمونه در این پیام در مسائلی که محل مناقشات فکری در حوزه‌ی عمومی است، دیده می‌شود: «فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظام‌ها و اگر در بدنه‌ی حکومت‌ها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنائی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌ها است.» یا «اخلاق و معنویت، البته

با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند.»

۴- تفکیک‌اندیشی: یکی از نشانه‌های پختگی و بلوغ عقلانی، توان گُشگر در دو زمینه است:

الف) تفکیک خوب و خوب‌تر یا بد و بدتر که طبیعتاً دقت و ظرافتی افزون از شناخت خوب از بد می‌طلبد؛ مهم‌ترین نمونه این است که در مسئله تحقق عدالت یک خوب تر داریم که تحقق کامل عدالت است و یک خوب داریم که تحقق نسبی عدالت است. رهبر انقلاب می‌گویند؛ حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید گوهر بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد ناراضی هستم ولی در همین گام اول انقلاب کفّی عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین شده است.

ب) تفکیک مسائل با علل مختلف و متنوع از هم و در پیش گرفتن راه‌حل‌های متناسب با هر یک؛ مثال بارز این امر در متن اخیر، جدا ساختن نوع تعامل ایران اسلامی با اروپا و آمریکا در مراودات بین‌المللی است. البته در هر دو مورد از ارزش‌های خود عقب‌نشینی نمی‌کنیم و از تهدیدهای آن‌ها نمی‌ترسیم اما درحالی‌که حل هیچ مشکلی از طریق مذاکره با آمریکا را متصور نمی‌دانیم، برخی مشکلات با اروپا را از طریق مذاکره‌ی حکیمانه و مصلحت‌جویانه از موضع انقلابی قابل حل می‌بینیم.

۵- ظرفیت‌شناسی: انسان یا نهاد پخته در کوره‌ی حوادث و سوانح ایام، باید نسبت به ظرفیت‌هایی که

به‌طور بالقوه دارد توجه بیشتری پیدا کند. این یک اصل اساسی مدیریت نیز هست که بتوان با شناسایی منابع بیشتر و توزیع بهتر، امکانات را توسعه داد و به موفقیت دست یافت. این نکته نیز از دید رهبر انقلاب پنهان نمانده است. درباره‌ی غفلت دست‌اندرکاران در استفاده از ظرفیت‌ها به اشاره‌ی کلی اکتفا نشده و اشاراتی هست تا برای جوانان خردمند، پیرانگیزه و کاردانی که از این پس بارهای مدیریتی را در کشور بر عهده می‌گیرند، «سرنخ» باشد: «ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است: منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنائی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع، بخش‌هایی از ظرفیت‌های کشور است؛ بسیاری از ظرفیت‌ها دست‌نخورده مانده است. گفته شده است که ایران از نظر ظرفیت‌های استفاده‌نشده‌ی طبیعی و انسانی در رتبه‌ی اول جهان است.»

۶- اولویت‌سنجی: کُنشگر خردمند، دنیای واقعی اطراف خود را مجموعه‌ی درهم‌تنیده‌ای از محدودیت‌ها و امکان‌ها و فرصت‌ها و تهدیدها می‌بیند اما باید بتواند بر اساس مبانی و شاخص‌های خود، برای باز کردن کلاف‌های سردرگم و پیدا کردن راه برون‌رفت از معضلات و رسیدن به پیشرفت، دست به انتخاب میان اولویت‌ها بزند. نمونه‌ی برجسته این امر در پیام «گام دوم»، تمرکز رهبر انقلاب بر مکاتبه یا مخاطبه با جوانان است؛ چراکه هرگونه تداوم یا تغییر شایسته با محوریت آن‌ها بهتر به نتیجه می‌رسد و هرگونه آسیب در مورد آنان تبعات و مخاطرات بیشتری دارد.

۷- تعدیل‌گرایی: یکی از مهم‌ترین وجوه عقلانیت و واقع‌گرایی، تعدیل سطح انتظارات از خود و دیگران، مطابق با مبانی، امکانات و محدودیت‌هاست. برای موجود عاقل متحرک، یکی از مهم‌ترین نشانه‌های چنین تعدیلی، داشتن تصویری دقیق از مبدأ و مقصد خود است.

☑ خلاصه بحث و نتیجه‌گیری:

آنچه موجب حساسیت و عصبانیت برخی کج‌اندیشان شده، دقیقاً «سنگ بنای عقلانیت» در پیام گام دوم است؛ یعنی تصریح مکررِ مصرانه به ارزش‌ها و آرمان‌هایی که انقلاب بر اساس آن‌ها شکل گرفته و ادامه یافته و هرچه دستاورد و پیروزی داشته، حاصل کاشته‌ها و پایبندی‌اش به همان اصول است در یک کلام آن چه به عنوان عقلانیت مکتب امام شناخته می‌شود. البته «فاصله‌ی عذاب‌آور» میان آرمان‌ها و واقعیت‌ها در این رهیافت دیده می‌شود اما این فاصله با ایستادگی بر همین مبانی و حرکت با چراغ همین عقلانیت، «طی‌شدنی» است.

☑ منابع بیشتر جهت استفاده ارائه دهنده و مخاطبین:

۴- جزوه عقلانیت انقلاب اسلامی؛ خانه طلاب تهران

۵- جزوه عقلانیت و نظام محاسبه در مکتب امام خمینی (ره)؛ خانه طلاب جوان

جلسه ششم

روح بیانیه؛ خلق اراده ملی و امید به آینده

✓ پرسش های متن ساز:

- ۱۰- نبود اراده ملی چگونه موجبات شکست های آینده را فراهم می کند؟
- ۱۱- امید آفرینی اجتماعی چه تأثیری در خلق اراده ملی دارد؟
- ۱۲- بیانیه بر چه مبنائی می گوید که امیدش به آینده صادق است؟
- ۱۳- امیدهای حضرت آقا به آینده از سر معنویت ایشان است یا از روی عقلانیت؟
- ۱۴- در مسئله امید به آینده نسبت آرمان و واقعیت چگونه است؟
- ۱۵- چرا باید نخستین و ریشه ای ترین جهاد مخاطبین کاشتن نهال امید در خود و دیگران باشد؟

- ۱۶- چگونه می توان محاصره تبلیغاتی دشمن برای تلقین یأس در جامعه را شکست؟
- ۱۷- در مواردی که برخی فعالیت های حق طلبانه منجر به تقویت روحیه ناامیدی در کشور باشد، چه باید کرد؟

✓ سرفصل اول: فقدان اراده ملی عامل قطعی شکست

✓ جملات کلیدی:

۱۵- متن بیانیه:

"اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه ی من امید و نگاه خوش بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه ی قفلها، هیچ گامی نمیتوان برداشت. آنچه میگویم یک امید صادق و متکی به واقعیت های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جستهم، اما خود و همه را از نومیدی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته ام و برحذر میدارم. در طول این چهل

سال - و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیتها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسّنات بزرگ، برنامه‌ی همیشگی هزاران رسانه‌ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت میکنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره‌ی تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است. نشانه‌های امیدبخش - که به برخی از آنها اشاره شد - در برابر چشم شما است. رویشهای انقلاب بسی فراتر از ریزشها است و دست‌ودل‌های امین و خدمتگزار، بمراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام مینگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید."

۱۶- بیانیه از آغاز تا انتهایش چه در بررسی گذشته و کارنامه جمهوری اسلامی و چه در تحلیل‌ها و نگاه‌هایش به آینده و چه در توصیه‌هایش دائماً حس امید را به مخاطبین القاء می‌نماید، روح حاکم بر بیانیه امیدبخشی است.

۱۷- امیدبخش بودن این بیانیه فارغ از تحلیل‌ها و توصیه‌هایش خودش فی‌نفسه در جایگاه برهم زدن کلان طرح دشمن در قبال مردم ایران است.

۱۸- امید، بزرگترین قوه محرکه انسان است. امید به پیروزی، امید به پیشرفت و امید به موفقیت، اراده و عزم را در هر انسانی زنده کرده و او را به حرکت وادار میکند. اگر شما بخواهید هر انسان فعال و سرزنده و شادابی از حرکت بیفتد، کافی است او را نسبت به آینده ناامید کنید.

۱۹- به همین جهت امید یکی از جنود حق و یأس یکی از جنود باطل است و ناامیدی از رحمت حق بزرگترین معاصی است. چون این یأس عملاً همه اراده‌های الهی را در انسان منکوب کرده و همه اراده‌های شیطانی را فعال می‌نماید.

☑ سرفصل دوم: اثرات ناامیدی

۱- ناامیدی، رویه‌ی دیگر فراموشی آینده است، اساساً انسانی که ناامید است آینده‌ای ندارد. جامعه‌ای که در هنگام حضور در یک میدان نگاه مایوسانه‌ای دارد، می‌خواهد که آینده‌ای هم نداشته باشد.

۲- وقتی امید از دست برود، دیگر هیچ اقدام صورت نمی گیرد؛ انسان می گوید چه فایده ای دارد؟ ما که دیگر کارمان از کار گذشته است؛ با چه کسی در بیفتیم؟ چه اقدامی بکنیم؟ برای چه تلاش کنیم؟ ما که دیگر نمیتوانیم!

۳- اگر ناامیدی وجود داشته باشد فارغ از این که در واقع وضعیت ما و وضعیت دشمن روی زمین چگونه است شکست قطعی می شود. دشمن الان دقیقاً می داند که تکیه انقلاب بر مردم است و تکیه مردم بر عزم ها و امیدهایشان است، لذا برای شکستن انقلاب باید مردم شکسته شوند و برای شکستن مردم هم باید عزم ها و امیدهایشان از بین برود.

۴- مردم اگر امیدشان از بین برود به یک موجود مرده، یا شبیه مرده تبدیل خواهند شد، در این صورت دشمن هر کاری که مایل است می تواند با ما انجام بدهد! با یک ملت زنده که نمیتواند هر کاری بخواهند، انجام دهند. به یک جسم بیهوشِ مدهوشِ بیحسی که کنجی افتاده است، هر کس هرچه دلش خواست، میتواند تزریق کند؛ با آن هر کاری میتواند بکنند؛ اما با یک موجود سرحال زنده باهوش متحرکِ فعال که نمیتواند هر کاری را انجام دهند!

☑ سرفصل سوم: امید صادق

۱- برخی تصورشان بر این است که این همه تأکید حضرت آقا بر امید از باب در ناامیدی بسی امید است، می باشد! یا این که برخی آبرومندان تر هم می گویند که این امید بیشتر ناشی از معنویت رهبری است تا این که ناشی از عقلانیت ایشان و واقع بینی باشد.

۲- فساد این اشکال از فهم دوگانگی میان معنویت و عقلانیت ناشی می شود، به تلقی این ها یک حساب و کتاب و محاسبه ای عاقلانه ای وجود دارد که برآیند آن این است که فضا تاریک است و روند با شیب ملایمی به سمت فروپاشی و سقوط است ولی در همین حال باید چشم ها را بر وقایع و عینیات بست و دل را کمک های دقیقه نودی جنود الهی و تیرهای غیبی سپرد.

۳- این درحالی است که اساساً کارکردِ معنویت شستن چشمان و قلب انسان و تقویت درست بینی اوست.

۴- معنویت معاضد عقلانیت است، یعنی باعث می شود فریب و استحضاه و هجمه های روانی و تبلیغاتی دشمن دستگاه محاسباتی انسان را به هم نریزد.

۵- یکی از کارویژه های اصلی انبیاء الهی تزریق دائمی امید به امت ها بوده است. نقش این امیدبخشی دیدن واقعیت ها اعم از واقعیات طبیعی و معنوی بوده است. حاصل این نگاه واقع بینانه است که امت در برابر هیمنه حبابی باطل عقب نمی نشیند و از توجه به توانمندی ها و دارائی های خود غافل نمی شود.

☑ سرفصل چهارم: امید صادق وجه جمع میان آرمان گرائی و واقع بینی

۱- متن بیانیه:

۱- "بی شک فاصله‌ی میان بایدها و واقعیتها، همواره وجدانهای آرمان خواه را عذاب داده و میدهد، اما این، فاصله‌ای طی شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد."

۲- یکی از عوامل تشدید ناامیدی در میان نیروهای انقلابی تلقی نوعی دوگانگی میان آرمان های انقلاب با واقعیت های جمهوری اسلامی است.

۳- بیانیه با طرح مسئله امید صادق می خواهد اساساً این دوگانگی را برچیند و امید را که ناظر به دستیابی به آرمان هاست منطبق بر واقعیات بداند.

۴- چند بیان برای وجود یگانگی میان آرمان با واقعیت وجود دارد؛

۵- یکی این که؛ آرمان ها همان اهداف و افق هایی هستند که پیش روی ما هستند و واقعیت ها شرایطی است که در اطراف ما وجود دارند، آرمان گرایی ایجاب می کند که همه تلاش و همیت انسان برای دستیابی به آن ها معطوف باشد و یکی از شرایط دستیابی به آرمان ها توجه جدی به واقعیت ها و ملاحظه‌ی سازوکارهای معقول و منطقی برای رسیدن به آن هاست. بنابراین واقعیات باید در خدمت و معطوف به آرمان ها باشند.

۶- برای مثال پیشرفت کامل و حصول استقلال اقتصادی یک آرمان است ولی الان با واقعیتی مواجه هستیم به نام تحریم. تکرار این آرمان به معنای ندیدن تحریم نیست بلکه تکرار برای تنظیم جهت مجاهدت است، با در نظر داشتن این آرمان و این واقعیت، وضعیت ما این می شود که باید یک حرکت مجاهدانه در یک چهارچوب تدبیر شده برای دفع تحریم و رسیدن به پیشرفت و استقلال اقتصادی را در پیش بگیریم. که اسمش می شود سیاست های اقتصاد مقاومتی.

۷- یکی دیگر این که در جامعه ایران، به دلیل ایمانی بودنش بسیاری از آرمانهای ما دقیقاً منطبق بر واقعیتهای جامعه است. مردم مایلند عزت ملی داشته باشند، مردم مایلند زندگی ایمانمدار و دینمدار داشته باشند، مردم مایلند در امور اداره‌ی کشور و مدیریت کشور سهیم باشند، مردم مایلند پیشرفت داشته باشند، استقلال سیاسی و اقتصادی داشته باشند؛ اینها خواسته‌های عمومی مردم است. این خواسته‌ها، واقعیتهای جامعه است؛ این واقعیتهای دقیقاً در جهت آرمان‌خواهی است.

۸- امید صادق یعنی آرمان ها را در حدکمال حفظ کردن و وضعیت دستیابی به این آرمان ها را نیز با شرایط واقعی و عینی سنجیدن و اسیر القای واقعیت های غیرواقعی و موج های موهوم و متخیل نشدن. لذا امید صادق یعنی وجه جمع بین آرمان گرائی و واقع بینی داشتن.

☑ سرفصل پنجم: ریشه ای ترین جهاد

- ۱- بیانیه ریشه ای ترین و فوری ترین جهاد برای مخاطبین خود را مبارزه برای مقابله با سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن در راستای مایوس‌سازی مردم، مسئولان و مدیران می‌داند.
- ۲- خود بیانیه پیشاهنگ این جهاد شده است و از سه طریق کلیدی سعی می‌کند نگاه خوش بینانه و امیدوارانه را تقویت نماید.
- ۳- اولین راهکار امیدبخشی بیانیه؛ توجه بخشی به راهی که طی شده است و پیروزی‌ها و دستاوردهایی که داشته ایم.
- ۴- دومین راهکار؛ توجه به ظرفیت‌ها و دارائی‌هایی است که برای ساختن آینده در اختیار داریم. که در این بین مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است.
- ۵- سومین راهکار؛ توجه به سیر نزولی و افول قطعی دشمن است.
- ۶- اگر امیدآفرینی را ریشه ای ترین نیاز انقلاب بدانیم این بدان معناست که القای ناامیدی بزرگترین مفسده انگیزی در شرایط فعلی است. لذا هر قلم یا حنجره‌ای که برای ناامید کردن مردم حرکت کند و یا اثر اقدامش ناامیدی مردم باشد، چه خودش بداند و چه خودش نداند، در امتداد دشمن است!
- ۷- روشن است که هر فعالیت اصلاحی یا انقلابی حتی برای مطالبه حق و عدالت اگر منجر به القای یأس در محیط ذهنی کشور بشود محکوم است.

☑ خلاصه بحث و نتیجه گیری:

روح حاکم بر بیانیه امیدبخشی است. امید، بزرگترین قوه محرکه انسان است و عامل به میدان آمدن اراده هاست و ناامیدی، رویه‌ی دیگر فراموشی آینده است، اساساً انسانی که ناامید است آینده ای ندارد. اگر ناامیدی وجود داشته باشد فارغ از این که در واقع وضعیت ما و وضعیت دشمن روی زمین چگونه است شکست قطعی می‌شود.

برخی تصورشان بر این است که تأکید دائمی رهبری بر امید و پمپاژ تحلیل‌های خوش بینانه بیشتر ناشی از معنویت رهبری است تا این که ناشی از عقلانیت ایشان و واقع بینی باشد. فساد این اشکال از فهم دوگانگی میان معنویت و عقلانیت ناشی می‌شود، معنویت معاضد عقلانیت است، یعنی باعث می‌شود فریب و استحضاه و هجمه‌های روانی و تبلیغاتی دشمن دستگاه محاسباتی انسان را به هم نریزد.

امید صادق یعنی آرمان ها را در حدکمال حفظ کردن و وضعیت دستیابی به این آرمان ها را نیز با شرایط واقعی و عینی سنجیدن و اسیر القای واقعیت های غیرواقعی و موج های موهوم و متخیل نشدن. لذا امید صادق یعنی وجه جمع بین آرمان گرائی و واقع بینی داشتن. اگر امیدآفرینی را ریشه ای ترین نیاز انقلاب بدانیم این بدان معناست که القای ناامیدی بزرگترین مفسده انگیزی در شرایط فعلی است.

منابع بیشتر جهت استفاده ارائه دهنده و مخاطبین:

جلسه هفتم

مخاطب بیانیه؛ جوانان

✓ پرسش های متن ساز:

- ۱- چرا جوانان مخاطب اصلی این بیانیه هستند؟
- ۲- گام دوم چه اقتضائاتی دارد که باید جوانان دوش خود را زیر بار آن بدهند؟
- ۳- جوانانی که بار جهاد بر دوش آن ها گذاشته می شود در کدام مدرسه تربیت شده اند؟

✓ سرفصل اول: اعلان جهاد

✓ جملات کلیدی:

۲۰- متن بیانیه:

"اما راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمانهای بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدانهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند."

"اینک در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی، این بنده‌ی ناچیز مایلم با جوانان عزیزم، نسلی که پا به میدان عمل میگذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند، سخن بگویم."

"دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شما باید کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) است، نزدیک کنید."

۲۱- رهبر انقلاب در بیانیه، نزدیک به ۴۰ بار از «جوان ایرانی» نام بردند و در ۲۰ مورد از آن، امید و اعتماد خود را نثار جوانان و آینده‌سازان ایران کرده‌اند.

۲۲- جمله‌ی «جوانان باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند.» دو بار عیناً در متن تکرار شده و یک بار هم مضمون آن در عبارت «اینک مطالبه‌ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید» تکرار شده است. از این رو مهم‌ترین موضوع «اعلان جهاد» و فراخوانی شانه‌هایی است که زیر بار مسئولیت بروند.

۲۳- عنوان بیانیه را می‌توان حکم به جهاد تمدنی جوانان قرار داد.

۲۴- برای پاسخ به این سؤال که چرا جوانان به صورت خاصی مخاطب این بیانیه و مخاطب حکم جهاد رهبر انقلاب قرار گرفته‌اند باید به سه نکته توجه کرد؛ اقتضات ویژه گام دوم انقلاب، ویژگی‌های نوعی جوانان و ویژگی‌های نسل جوان فعلی.

☑ سرفصل دوم: اقتضات گام دوم انقلاب و جوانان

✓ جملات کلیدی:

۱- دلیل اصلی توجه به جوانان، دورانی است که پشت سر گذاشته‌ایم و دورانی است که در حال آغاز هستیم. کل جریان انقلاب در این چهل سال توانست خود را تأسیس و سپس تثبیت کند. پس بعد از این تثبیت، زمانه‌ی بُروز مجدد انقلاب اسلامی است.

۲- این بروز مجدد، در اراده‌ی عمومی مردم رخ می‌دهد؛ همان اراده‌ای که اساس همه‌ی حرکت‌ها و موتور اصلی رشد و پیشرفت کشور است. با این حساب اگر بناست فردایی را آغاز کنیم و آینده‌ای بُروز کند و قدم جدیدی برداریم، باید به خلق یک اراده در مقیاس ملی بیندیشیم.

۳- برای خلق این اراده باید امیدها زنده شود چون حرکت امروز جامعه نیاز به امید دارد و برای این مهم باید به حقیقت آینده خیره شویم و آنجا که امید به آینده به صورت طبیعی، بیشتر از هر

نقطه‌ای خود را نشان می‌دهد در وجود جوانان است. اصلاً جوان، همین که وارد عرصه شود امید را می‌آورد، قبل از اینکه حتی زبان به سخن بگشاید.

۴- توجه به جوان یعنی توجه به هویت آینده‌ی واقعی کشور؛ نه آینده‌ی تخیلی، بلکه آینده‌ای که قوه‌ی آن امروز در جان امت در قالب همین جوانان بروز کرده است. نگاه به آینده یعنی نگاه به جوان.

۵- بیانیه در تحلیل مؤفقیات های گام اول نیز نقطه کلیدی را روی عنصر اراده ملی برد و با تشریح این که عنصر اراده‌ی ملی در کانون مدیریت کشور وارد شد و همین امر باعث گردید جوانان میدان‌دار اصلی حوادث شده و وارد عرصه‌ی مدیریت شوند.

۶- رهبر انقلاب، دستاوردها و گذشته را هم اگر در این پیام مرور می‌کنند، برای جوان و برای آینده است، یعنی قرائت تجربیات هم حتی طعم آینده دارد؛ آینده‌ای که اگر امروز بخواهیم با آن سخن بگوییم باید رو به جوان کنیم؛ جوانی که وقایع تاریخی انقلاب را ندیده است؛ برای همین برای او مقوله‌ی تاریخ باید جدی باشد تا بتواند تجربه‌ی انقلاب را بازخوانی کند.

۷- گام دوم یعنی باید مرحله جدیدی آغاز شود، شروع دوباره نیرویی بسیار قوی لازم دارد تا آن مرحله با سرعت و قدرت طی شود. در ابتدای انقلاب و تشکیل نظام اسلامی، جوانان نسل اول انقلاب انرژی و نیروی محرکه‌ی اصلی را برای کشور فراهم کردند. در مراحل بعدی مسائلی چون جنگ، دوران سازندگی، دوران جنگ نرم، تهاجم فرهنگی، جنگ سیاسی و ... را داشتیم. در تمامی این مقاطع انرژی اصلی را قشر جوان فراهم می‌کردند و در این مرحله که چهل سال دوم انقلاب اسلامی را پیش رو داریم جوانان را بایستی مخاطب قرار داد.

۸- البته جوان و جوانی ویژگی‌های دیگری هم دارد؛

۹- جوانان به قول امام به ملکوت نزدیک‌ترند. جوانان نفوس مستعدتری برای قیام دارند. اساساً اگر می‌خواهید درباره‌ی انقلاب سخن بگوییم، باید با جوانان سخن بگوییم. جوان آرمان‌ها را سریع‌تر می‌فهمد؛ او به آرمان‌ها نزدیک‌تر است.

۱۰- گام جدید نیازمند تحول خواهی و خروج از رکود است؛ اصولاً تحول خواهی، استقامت، مبارزه‌ی با موانع از خصوصیات دوران جوانی است. اینجوری نیست که پیرها این روحیه را نداشته باشند، ولی خداوند این نعمت را در جوان‌ها بیش از دیگران قرار داده است.

۱۱- البته برخی ویژگی‌ها هم مخصوص نسل فعلی جوان ایرانی است؛

۱۲- جوانان فعلی بسیار با بصیرت و معنویت هستند و حتی در این موارد از سطح جوانان اول انقلاب بالاتر هستند. در این پیام رهبر انقلاب در خصوص مشکلات اخلاقی و لجن‌زاری که حاکمان قبل از انقلاب به زندگی مردم و جوانان کشانده بودند نیز صحبت به میان می‌آورند و

این‌که با شروع انقلاب گندزدایی از فضای اجتماعی و خانوادگی اتفاق افتاد و طبیعتاً قرار است جوانانی با معنویت بالاتری در دوره‌ی دوم انقلاب، سکان کار را در دست بگیرند.

۱۳- ویژگی دیگر مجهز شدن جوانان فعلی به عنصر علم و فن‌آوری است. جوان دهه‌ی پنجم انقلاب اسلامی از جهت دانش و سطح آگاهی به مراتب از جوان قبل یا اوایل انقلاب پیشرفته‌تر است. قطعاً کشوری که از نظر علمی در جغرافیای علم و فن‌آوری دنیا تا سال ۵۷ هیچ‌گونه جایگاهی نداشت اکنون یکی از قدرتهای علمی و کشورهایی محسوب می‌شود که در تولید علم و فن‌آوری حرفی برای گفتن دارد. در برخی محورها حتی جزو نخستین‌ها هستیم. حدود چهارده تا پانزده میلیون نفر جوان تحصیل کرده یا در حال تحصیل در مقطع دانشگاهی داریم. چه در دوره‌ی قبل از انقلاب و چه در دوره‌های انقلاب و این به اصطلاح جریان جوان که حدود چهل میلیون نفر از جمعیت کشور را مجموعاً تشکیل می‌دهند با صلاح علم و فن‌آوری اکنون آماده‌ی این است که دومین مرحله‌ی اوج‌گیری انقلاب اسلامی را رقم بزند، بنابر این رهبر انقلاب جوانان را خطاب قرار می‌دهند.

۱۴- با مرور چندباره‌ی مرامنامه و راهنمای عمل گام دوم درمی‌یابیم که این جوانان خروجی هیچ یک از دستگاه‌ها و نهادها به تنهایی و با نگاه جزئی نیستند.

۱۵- در چهل سال نورانی انقلاب، استقامت و حرکت جهادی ذیل آن با راهبری و مربیگری ممتاز دو معلم بزرگ انقلابی، یک فضای تربیتی برای امت ایجاد کرده و خود به مدرسه‌ای به وسعت کشور تبدیل شده است.

۱۶- مدرسه‌ای که چنین جوانانی تربیت کرده مدرسه‌ی انقلاب است و آن روش تربیتی جهاد و حرکت انقلابی است. تربیت این نسل حاصل مبارزه، استقامت و حرکت جهادی امت با امامت است.

☑ خلاصه بحث و نتیجه گیری:

برای پاسخ به این سؤال که چرا جوانان به صورت خاصی مخاطب این بیانیه و مخاطب حکم جهاد رهبر انقلاب قرار گرفته اند باید به سه نکته توجه کرد؛ اقتضات ویژه گام دوم انقلاب، ویژگی های نوعی جوانان و ویژگی های نسل جوان فعلی. اگر بناست فردایی را آغاز کنیم و آینده‌ای بُروز کند و قدم جدیدی برداریم، باید به حقیقت آینده خیره شویم؛ حقیقتی که در متن مردم حضور دارد. آینده آنجا که وجود واقعی پیدا می‌کند، خود را در نسل جوان نشان می‌دهد. جوانان به آرمان‌ها نزدیک‌تر است، حرکت امروز جامعه نیاز به امید دارد، توجه به جوان یعنی توجه به هویت آینده‌ی واقعی کشور.

مدرسه‌ای که چنین جوانانی تربیت کرده مدرسه‌ی انقلاب است و آن روش تربیتی جهاد و حرکت انقلابی است. تربیت این نسل حاصل مبارزه، استقامت و حرکت جهادی امت با امامت است.

☑ منابع بیشتر جهت استفاده ارائه دهنده و مخاطبین:

جلسه هشتم

مسئولیت بیانیه؛ تبدیل ایران به الگوی کامل پیشرفته

☑ پرسش های متن ساز:

- ۱- مسئولیت های بلندمدت و کوتاه مدت ما در قبال بیانیه چیست؟
- ۲- نسبت بیانیه با مأموریت های قبلی ما چیست؟
- ۳- چگونه می توان توصیه های بیانیه را عملیاتی کرد؟

☑ سرفصل اول: مسئولیت راهبردی؛ تبدیل ایران به الگوی کامل نظام پیشرفته

✓ جملات کلیدی:

۱- متن بیانیه:

"اما راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمانهای بلند نظام جمهوری اسلامی است، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود ... و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند."

۲- نقشه کلی برای شکل گیری پیروزی در این برهه از جهاد تمدنی تبدیل ایران به الگوی کامل یک نظام پیشرفته اسلامی است.

۳- وقتی یک الگو کامل شکل بگیرد همه ارزش های انقلاب خود به خود و با سرعت و جامعیت به اقطاب عالم صادر می شود و زمینه های بعدی برای شکل گیری کامل تمدن اسلامی فراهم می شود.

۴- همه جذابیت هایی هم که تا کنون انقلاب اسلامی برای جوامع دیگر به خصوص ملل اسلامی داشته است همین الگو شدن در برخی معیارهای حکومتی است، امروز شکل گیری جریان مقایسه وضعیت اجتماعی در برخی کشورهای اسلامی و همسایه با ایران بلای جان حکام این کشورها شده است و ریشه بسیاری از خصومت هاشان با جمهوری اسلامی و فعالیت های گسترده رسانه برای ناکارآمد جلوه دادن ایران در بین مردمان خودشان، نیز به همین مسئله باز می گردد.

۵- مخاطب بیانیه ملت های مسلمان نیستند، این در همان طرح راهبردی انقلاب قابل فهم است که روند ایجاد تمدن اسلامی برپایی یک دولت و جامعه اسلامی در منطقه جغرافیایی ایران است، لذا بار این مجاهدت تاریخی اولاً بر دوش جوانان ایرانی است.

۶- همه توصیه های هفتگانه در زمینه علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و سبک زندگی ارکان تبدیل ایران به الگوی کامل نظام پیشرفته هستند.

☑ سرفصل دوم: مسئولیت های بلند مدت بیانیه

✓ جملات کلیدی:

۱- خلق اراده ملی

- توضیحش در بحث جلسه گذشته آمد

۲- جوان سازی

- متن بیانیه:

"مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه ی میدانهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین المللی و نیز در عرصه های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه های خود را به زیر بار مسئولیت دهند."

- جوان سازی صرفاً به این معنا نیست که همه پست ها و مناصب باید به دست رده سنی خاصی از کشور بیافتد شاید یکی از الزامات جوان سازی نیز همین باشد ولی اصل مطلب این است که مسئولیت های گام دوم انقلاب را جوانان بر روی دوش های خود احساس کنند.

- لذا لزومی ندارد جوانان منتظر دستیابی به مناصب باشند. در همین شرایطی که قرار دارند و بر اساس اختیاراتی که اکنون دارند وارد فضا و بستر اثرگذاری شوند.

۳- حفظ گفتمان انقلاب

- متن بیانیه:

"برای همه چیز میتوان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی مصرف و بی فایده نخواهند شد... هرگز نمیتوان مردمی را تصوّر کرد که از این چشم اندازهای مبارک دل زده شوند... انقلاب اسلامی به هیچ بهانه‌ای از ارزشهایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمیگیرد... به اصول خود بشدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان بشدت حساس است و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند."

- انقلاب در تمامی مراحل حرکتی خودش باید جهت معرفتی خود را حفظ کند نباید به پوسته‌ی بدون مغز تبدیل شود. حفظ جهت و حفظ گفتمان یکی از سخت ترین و پرهزینه ترین مأموریت‌هایی است که بیانیه روی آن اصرار دارد.
- راهی که انقلاب در مسیر دولت سازی و جامعه سازی دارد طی می کند مانند پا گذاشتن انسان روی کره ماه است پیش از ما هیچ تجربه ای در این خصوص وجود ندارد همه اقتضائات بدیع است، دشمنی‌ها هم در اوج است لذا یک احتمال دائمی دلسرد شدن از امکان به ساختار و برنامه کشیدن حرف های انقلاب است و در مقابل چون نسخه های آماده و بی زحمت فراوان برای اداره در تمامی سطوح در دسترس ماست می توانیم با دلخوش کردن به نرم افزارهایی است که نرخ رایج دنیاست با یک شیب ملایم و آبرومندانه از گفتمان خود دست برداریم.
- در این شرایط حفظ این خطوط و جهت گیری ها یک مبارزه تمام عیار می طلبد، مبارزه ای یک سمت آن تولید فکر و اندیشه و دانش است و یک سوی آن گفتمان سازی، ترویج و ترجمه است.

☑ سرفصل سوم: مسئولیت های کوتاه مدت

✓ جملات کلیدی:

۱- امیدآفرینی

- متن بیانیه:

"اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی قفلها، هیچ گامی نمیتوان برداشت ... این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است."

- توضیحش در بحث جلسه گذشته آمد.

۲- گفتمان سازی بیانیه

- گفتمان باور عمومی شدن است؛ یعنی آن چیزی که به صورت یک سخن مورد قبول عموم تلقی بشود، مردم به آن توجه ویژه داشته باشند. البته اگر یک معنا به گفتمان تبدیل شد تقریباً مثل اتمسفر و هوا خواهد بود یعنی افرادی که در تماس با آن هستند چه بخواهند و چه نخواهند تحت تأثیر آن خواهند بود.

- وقتی چنین فضایی فراهم شد، یک ذهنیت، ذائقه معرفتی و نگرش بیانیه به امر مشترکی بین مردم بدل می شود، در این صورت بر مبنای آن هویت جدیدی به وجود می آید که تبدیل به یک پدیده اجتماعی نیز می شود.

- گفتمان سازی در یک لایه می تواند یک بستر نظری برای نظریه پردازی حول بیانیه خلق نماید.

- گفتمان سازی تسهیل کننده رسوخ بخشیدن آرمان ها و افق های بیانیه در میان نخبگان و همراه کردن کارگزاران نظام با مفاد آن است.

- گفتمان سازی این قوت را دارد که در میان نیروهای میدانی انقلاب یک سری هماهنگی های ملی را فراهم بیاورد.

- در یک جمله می توان گفت؛ بدون گفتمان سازی زمینه اجرا و عمل به مأموریت های بیانیه بسیار سخت و پُر مانع است.

- برای گفتمان سازی بیانیه بایستی یک کار فهمی و تفسیری خوب به جهت فهم کامل محتوای بیانیه انجام شود. با ذخیره های فکری متعدد و متنوع، حتما دریافتهای متنوعی از این دست نوشته های عمیق، بدست خواهد آمد. لذا باید افراد فراوانی وارد بشوند و به همدیگر هم کمک بکنند تا یک فهم خوب و کاملی در مورد این محتوا به دست بیاید.

- یکی دیگر از فعالیتهای لازم در مورد گفتمان سازی بیانیه این است که مطالب دریافته شده از این متن به مباحثه گذاشته بشود. اگر این اتفاق فقط در دانشگاه های ما برای دانشجویان

انقلابی محقق شود، یک جریان جدی رقم خورده است و اگر ابعاد این مباحثه وسیع بشود، مطمئناً یک حادثه ملی اتفاق افتاده است که خودش زمینه ساز گفتمان شدن بیانیه است.

- یکی دیگر از راهکارها برای گفتمان سازی آن شروع یک سری جریانات مطالبه گری عالمانه بر محوریت محتوای بیانیه است.

۳- تبدیل اندیشه پشتیبان بیانیه به ذهنیت نخبگان

- اگر توصیه های بیانیه بخواهد در سطوح مختلف مورد اعتناء و برنامه ریزی قرار گیرد ناگزیر هستیم اندیشه و تحلیل های پشتیبان این بیانیه هم در عاقله نخبگان ما نصب شود.
- مبانی و عقلانیت بیانیه ی گام دوم، در سطوح مختلف جامعه باید مایه و منبع همگرایی و توحّد فکری شود. بر اساس اشتراکات و همگرایی های فکری است که جامعه در لایه های هنجارها و گُنش ها نیز به همگرایی و وحدت نزدیک می گردد و بر اساس روندی که از لایه ی فکر تا گُنش اجتماعی محقق می شود، ساختارهای جامعه نیز از این فرآیند تأثیر خواهد پذیرفت و بتدریج خود را در فرآیند دولت سازی و جامعه سازی نیز نمایان خواهد کرد.
- پس ما امروز نیازمند تشکیل یک پدیده قدرتمند اجتماعی که می توان آن را «عاقله نخبگانی انقلابی» نامید هستیم. عاقله ای که با تکیه بر معارف انقلابی با تمام مسائل دست اول نهضت ارتباط می گیرد و دقیقاً همانند مقام معظم رهبری نسبت به آنها تعهد نشان می دهد.
- خود بیانیه به جهت جامعیت و حکیمانه بودنش به شدت این ظرفیت را دارد که محملی برای ایجاد این عاقله باشد.

☑ خلاصه بحث و نتیجه گیری:

به طور کلی میدان مسئولیتی بیانیه قابل تقسیم در سه عنوان راهبردی، بلندمدت و کوتاه مدت می باشند.

بیانیه را می توان حکم به جهاد تمدنی جوانان برای ایجاد نظام پیشرفته اسلامی قلمداد نمود، همه توصیه های هفتگانه در زمینه علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و سبک زندگی ارکان تبدیل ایران به الگوی کامل نظام پیشرفته هستند.

این مهم نیازمند خلق اراده ملی است این اراده در بستر امید به آینده رقم خواهد خورد. بهترین راهکار برای ایم مهم نیز جوان سازی است که جوان سازی هم صرفاً به این معنا نیست که همه پست ها و مناصب باید به دست رده سنی خاصی از کشور بیافتد. بدون گفتمان سازی و امید آفرینی در کوتاه مدت زمینه اجرا و عمل به مأموریت های بیانیه بسیار سخت و پُر مانع است.

منابع بیشتر جهت استفاده ارائه دهنده و مخاطبین:

- ۱- جزوه صد حاشیه بر بیانیه گام دوم؛ حجه الاسلام حسین بغدادی
- ۲- کتاب رسالت گفتمان سازی مکتب امام؛ حجه الاسلام استاد فلاح شیروانی

جلسه نهم

امتداد بیانیه؛ الگوی پایه ایرانی اسلامی پیشرفت

✓ پرسش های متن ساز:

۴- بیانیه گام دوم چگونه می تواند در جسد و کالبد جمهوری اسلامی امتداد پیدا کند؟

۵- نسبت بیانیه گام دوم با الگوی پیشرفت چیست؟

✓ سرفصل اول: الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت

✓ جملات کلیدی:

۷- کمتر از پنج ماه پیش از صدور بیانیه گام دوم سندی از سوی عاقله نظام منتشر شد با عنوان الگوی

پایه اسلامی ایرانی پیشرفت، در طلیعه این سند مأموریت و رسالتی برای آن تصویر می شود که نعل

به نعل در همان افق راهبردی بیانیه گام دوم قرار دارد:

"الگوی پایه، چارچوب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و معرف سیر کلی تحولات مطلوب ایران در

عرصه فکر، علم، معنویت و زندگی بسوی تمدن نوین اسلامی - ایرانی در نیم قرن آینده است."

"رسالت ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران حرکت عقلانی، مؤمنانه و متعهدانه در جهت ایجاد

تمدن نوین اسلامی متناسب با آرمانها در زیستبوم ایران است."

۸- اگر مسئولیت راهبردی بیانیه گام دوم تبدیل ایران به الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی است، متعین شدن این هدف در کالبد جمهوری اسلامی نیازمند یک طرح تدبیری است.

۹- به وضوح روشن است که طرح تدبیری که بر اساس آن بخواهد مسئولیت راهبردی بیانیه محقق شود چیزی نیست جزء همین سند الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت.

۱۰- سندی که مبانی و آرمان ها و تدابیر لازم جهت تبدیل ایران به یک نظام پیشرفته اسلامی را در طی ۵۰ سال آینده تدوین کرده است، که در صورت تحقق آن طلوعه‌ی مبارک تمدن نوین اسلامی ایرانی در زیست‌بوم ایران رخ خواهد نمود. مسئله‌ی ای که رهبر انقلاب در فراخوان خود برای تکمیل و ارتقای الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت، بر آن اصرار دارند؛
"بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند جلّ و علا را سپاس می‌گزارم که با هدایت و توفیق او تلاش نظام‌مند چند هزار تن از صاحب‌نظران و استادان دانشگاهی و حوزوی و فرزندان جوان برای طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پس از هفت سال در چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی به نتیجه رسید. این سند، اهمّ مبانی و آرمانهای پیشرفت را تدوین کرده و افق مطلوب کشور را در پنج دهه‌ی آینده ترسیم و تدابیر مؤثر برای نیل به آن را طراحی کرده است که با تحقق آن، که کاری عظیم و دشوار اما ممکن و شیرین است، کشور راه پیشرفت را خواهد پیمود و طلوعه‌ی مبارک تمدن نوین اسلامی ایرانی در زیست‌بوم ایران رخ خواهد نمود. ان شاء الله."

۱۱- لذا می‌توان ادعا نمود ابر پروژه رهبر انقلاب الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت است، ایشان قاطع هستند که کشور را با همین الگوی پیشرفت اداره نمایند و در مستوای مأموریت بیانیه گام دوم قرار بدهند.

۱۲- اهمیت و برتری ویژه این الگو مسأله جهت‌گیری‌های نقطه‌زن آن است. در جهانی که بر اساس فکر و نرم افزار مادی، معماری آن صورت می‌گیرد و کسی جرئت ندارد حرفی از خدا و عوالم دیگر بزند یک سند در سطح ملی منتشر می‌شود که با صدای بلند دارد توحید عملی در همه ساحت‌های بشری را فریاد می‌زند. این که در ساحت‌های جدی معماری اجتماعی بیاییم و با مبانی ناب اسلامی حرف از الگوی حرکتی برای نیم قرن آینده بزنییم معجزه انقلاب است.

۱۳- تحقق بیانیه گام دوم در گرو تحقق سند الگوی پیشرفت است. لذا برای امتداد یافتن خطوط بیانیه باید نسبت به این الگوی پایه اهتمام ویژه به خرج داد. این اهتمام به سه حوزه تقسیم می‌شود؛ حوزه اول بخش دو ساله‌ای است که در پیش است که به مرحله تکوین نهایی این الگو مربوط می‌شود، باید هر چقدر می‌توانیم در ارتقاء سطح معرفتی و امتدادهای دسترسی‌های این الگو به واقعیت‌ها کمک کنیم.

۱۴- مقطع بعد هم آماده کردن مردم است برای اینکه الگو شروع و اجرا بشود و مقطع سوم هم اجرای آن است که احکام خودش را دارد، چون خود عمل و اقدام هم یک فضای فهم درست می نماید.

☑ سرفصل دوم: راه کارهای دشمنانی با الگو

۱- در برابر یک استراتژی نیم قرنه ای مثل سند الگو قطعاً دشمنی های بسیار جدی شکل خواهد گرفت؛

۲- یکی از کارهایی که معمولاً با این گونه اسناد می کنند این است که می گویند شما بنویسید، چه مرجعی می خواهد عمل بکند! پس ضمانت اجرایی ندارد.

۳- اگر بتوانند در سطح تدابیر و راهکارهای عملیاتی با دخیل کردن بدنه کارشناسی لیبرال، پیشنهادات خود را به تصویب مراجع تصمیم گیر می رسانند.

۴- یکی دیگر از حمله ها این است که بگویند یک عقلانیت عمومی در دنیا هست که در اسناد بین المللی پدیدار شده است، مدل های توسعه هم به صورت مبسوط در آن ها مشخص است. لذا نیازی به الگو نداریم.

۵- از لحاظ حقوقی نگذارند جایگاه پیدا کند و الگو را در مقابل قانون اساسی قرار بدهند.

☑ خلاصه بحث و نتیجه گیری:

اگر مسئولیت راهبردی بیانیه گام دوم تبدیل ایران به الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی است، متعین شدن این هدف در کالبد جمهوری اسلامی نیازمند یک طرح تدبیری است. طرح تدبیری که بر اساس آن بخواهد مسئولیت راهبردی بیانیه محقق شود چیزی نیست جزء سند الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت.

تحقق بیانیه گام دوم در گرو تحقق سند الگوی پیشرفت است. لذا برای امتداد یافتن خطوط بیانیه باید نسبت به این الگوی پایه اهتمام ویژه به خرج داد. جریان غرب گرا با روش های گوناگونی معمولاً به مقابله با چنین اسنادی برمی خیزد که برای تحقق الگو باید به این روش ها توجه داشت.

☑ منابع بیشتر جهت استفاده ارائه دهنده و مخاطبین:

۳- متن الگوی پایه‌ی اسلامی ایرانی پیشرفت

۴- بازخوانی الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت؛ حجه الاسلام استاد فلاح شیروانی

۵- فراخوان رهبر انقلاب برای تکمیل و ارتقای الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت